

# کردستان

ارگان حزب دموکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۶۶ | سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ | ۵ مارس ۲۰۲۴  
تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

۱۱ اسفند ۱۳۵۷ خورشیدی

اعلام مبارزه آشکار حزب دمکرات کردستان ایران بعد از ۳۲ سال مبارزه

۱۱ اسفند سال ۱۳۵۷ - استادبوم ورزشی شهر مهاباد در این روز که تازه چند روزی از پیروزی انقلاب مردم ایران گذشته بود، مردم شهر مهاباد (پایتخت جمهوری کردستان) و بقیه حضار که از دیگر شهرها و روستاهای کردستان خود را به مهاباد رسانده بودند در ورزشگاه شهر گردهم آمدند تا از زبان دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبر کاریزماتیک حزب دمکرات کردستان ایران خبر شروع مجدد مبارزه علنی حزب دمکرات را پس از ۳۲ سال مبارزه مخفی بشنوند. گردهمایی که در اسناد حزبی از این واقعه‌ی تاریخی به عنوان "میتینگ مهاباد" یاد می‌شود و در آن حزب دمکرات گفتمان و مشی خود را که در حقیقت خواست اکثریت ملت کورد در ایران است، به‌ویژه اصل "حق تعیین سرنوشت" را رسماً پس از ۳۲ سال فعالیت مخفی خود، اعلام کرد.



## پیام انتخابات فرمایشی ۱۱ اسفند

# فارغ از صندوق‌های رای، خیابان‌ها نیز سنگ محک خواهند شد



## مرکز اجرایی حزب دمکرات:

### باری دیگر صدای رسای "نه" مردم بر کلیت اراده و قدرت رژیم مستولی گردید

مرکز اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران بعد از بایکوت شکوهمندانه انتخابات فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی ایران پیامی تقدیر را خطاب به مردم کردستان و ایران منتشر نمود. در این پیام آمده است که حزب دمکرات کردستان ایران ضمن قدردانی از اکثر توده‌های جامعه کردستان که با عدم حضور خود در انتخابات از حقوق و آزادیهای خود و خواسته‌های ملی دفاع نمودند، همچنین واکنش نامزدهایی که بعد از انتشار اطلاعیه مرکز اجرایی حزب دمکرات در رابطه با تحریم انتخابات از رقابت‌های انتخاباتی کناره‌گیری کردند، را می‌ستاید.

صفحه ۲

## خالد عزیزی در نشست سازمان

### اینترناسیونال سوسیالیست:

برنامه حزب دمکرات تحقق حقوق و آزادی‌های ملت کورد در ایرانی دموکراتیک و بدون هرگونه تبعیض و به حاشیه‌راندن است



برنامه حزب دمکرات تحقق حقوق و آزادی‌های ملت کورد در ایرانی دموکراتیک و باثبات بدون هرگونه تبعیض و به حاشیه‌راندن است. اما به جای پیگیری و پاسخ دادن مطلوب به مطالبات حزب دمکرات و مغتنم شمردن استراتژی سیاسی حزب دمکرات در طول عمر رژیم ایران به شیوه‌های گوناگون مجازات شده‌ایم. با یورش و نظامی‌کردن کردستان، بازداشت و اعدام فعالان سیاسی و مدنی کورد، با جلوگیری از توسعه انسانی و اقتصادی کردستان، تلاش سیستماتیک برای انکار و حذف هویت تاریخی، فرهنگی و زبانی کورد، با سرکوب خونین اعتراضات مدنی مردم کردستان در خیابان، با حملات پهنپادی و موشکی به کمپ‌های مدنی حزب دمکرات کردستان ایران که از سوی ناگزیری در اقلیم کردستان سکنا گزیده‌اند و همچنان که خود مستحضرید در حمله موشکی سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی سپاه پاسداران رژیم ایران به کمپ‌های ما چندین تن از زنان و کودکان جان باختند.

صفحه ۲

تخیل رهایی، به مثابه تحقق آزادی

بهار حسینی

۸

فقر و فساد  
سیستماتیک در کردستان

فواد محمودی

۵

مقایسه سرنوشت سه رهبر: نلسون ماندلا، معمر قذافی و سیدعلی خامنه‌ای

دکتر توفیق حیدریان

۴

مصطفی هجری:

در جغرافیای کنیرالملله ایران، بدون بازتعریف دوباره مسئله حاکمیت دیگر نمی‌توان به فکر تداوم زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم بود

۳

ماموستا عبدالله حسن‌زاده:

سخنرانی ۱۱ اسفند دکتر قاسملو یک مانیفست به دست نسل‌های فعلی و آینده داده است

مصاحبه: شهرام سبحانی

۳



## مرکز اجرایی حزب دمکرات:

# باری دیگر صدای رسای "نه" مردم بر کلیت اراده و قدرت رژیم مستولی گردید

مردم مبارز کوردستان!

توده‌های آزادیخواه ایران!

کشورها و مجامع جهانی!

جمهوری اسلامی ایران روز جمعه ۱۱ اسفند مهمترین به اصطلاح انتخابات تاریخ حیات سیاسی خود را آن هم در حساسترین شرایط سیاسی و اجتماعی ایران برگزار کرد. این به اصطلاح انتخابات که یک سال و چند ماه پس از انقلاب ژینا و چند ماه پس از دور جدید مداخلات و بحران آفرینی‌های رژیم در منطقه صورت گرفت، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت و حساسیت بسیار خاص از لحاظ کسب مشروعیت نداشته‌ی خود داشته و درصدد بازگشت به حداقل شرایط قبل از مهرماه ۱۴۰۱ بود. به همین دلیل در هفته‌های پیش از ۱۱ اسفند با اعلام نظرسنجی‌های متفاوت تنها درصدد آماده‌سازی ذهنی برای جعل و آمارسازی و نمایش حضور مردم بر سر صندوق‌های رای و بازتاب آن از دریچه دوربین‌ها بود.

جمهوری اسلامی ایران که از پیش از طریق فیلتر نامزدهای مورد نظر خود در شورای نگهبان انتخابات را بیش از پیش از ماهیت خود تهی کرده بود، اما تمام توان و یارای خود را به منظور بازارگرمی انتخابات و جذب بیشتر مردم برای حضور در پای صندوق‌های رای به کار گرفت. بخشی از

این تلاش‌ها عبارتند از:

تشویق و تحریک و ترغیب مردم به مشارکت؛ دو قطبی کردن انتخابات در تمامی شهرها و مناطق با روشهایی همچون در مقابل هم قرار دادن کاندیداها یا سواستفاده از عوامل مختلفی دیگر مانند تفاوت‌ها و تمایزات زبانی، آیینی و ملی؛ صرف هزینه‌های هنگفت برای کاندیداها با هدف مانور بیشتر برای خرید رای و تبلیغات، ایجاد فضایی نسبتا باز و مدت‌دار برای اظهارنظرهای متفاوت، بسیج کردن همه نهادها و سازمان‌ها و تخصیص امکانات دولتی برای داغ کردن بازار انتخابات، مطرح نمودن برخی از موضوعات هویتی و سواستفاده از این مسائل و عدم مهمورکردن شناسنامه و... رژیم همسو با سیاست تحریک و ترغیب، مرزهای تکلیف‌سازی و وظیفه‌ی شرعی قلمدادکردن مشارکت در انتخابات را درنوردید و تلاش کرد با تهدید و ایجاد رعب و وحشت مردم از طریق اظهارنظرهای سیاسی در هر سطحی حتی چند بار از زبان خود خامنه‌ای رهبر رژیم و بعدها با ارسال پیامک به مردم، عدم مشارکت آنان در انتخابات را به معنای دشمنی علنی با اسلام و نظام قلمداد کند تا بلکه با بکارگیری این حربه شاید بتواند تعدم معدود دیگری را پای صندوق‌های

رای بیاورد. اما نه سیاست تحریک و التماس، نه تیغ تهدید و ترغیب و نه هیچ کدام از حيله و دسیسه‌های دیگر نتوانست در مقابل اراده متحده و مبارزه مردم ایران و به ویژه کوردستان علیه جمهوری اسلامی بایستند و در رساندن موضع و پیام سیاسی مردم نه تنها به رژیم بلکه به جامعه جهانی خللی وارد سازند.

حزب دمکرات کوردستان ایران این موفقیت اراده توده‌های مردم کوردستان در حماسه ۱۱ اسفند را به همه اقشار و طبقات حق طلب و مبارز کوردستان تبریک گفته که با تحریم سیرک انتخابات بر مبارزه حق طلبانه خود مصر بوده و همچنین این موفقیت پایه‌های لرزان حاکمیت جمهوری اسلامی و عدم مشروعیت این نظام را در کوردستان بیشتر عیان ساخت.

حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن قدردانی از اکثر توده‌های جامعه کوردستان که با عدم حضور خود در انتخابات از حقوق و آزادیهای خود و خواسته‌های ملی دفاع نمودند، همچنین واکنش نامزدهایی که بعد از انتشار اطلاعیه مرکز اجرایی حزب دمکرات در رابطه با تحریم انتخابات از رقابت‌های انتخاباتی کناره‌گیری کردند، را می‌ستاید.

حزب دمکرات نقش همه احزاب و جریان‌های سیاسی، شخصیت‌ها، روشنفکران مذهبی و دانشگاهی را ارج نهاده که در

موفقیت تحریم انتخابات فعالانه تلاش نمودند. همچنین تقدیر ویژه‌ای از شجاعت و موضع جوانمردانه زنان آزادیخواه کوردستان دارد که تابلوی زنده‌ای دیگر از اراده ادامه انقلاب زن، زندگی، آزادی و پیشاهنگی خود را در مبارزه نشان دادند. همچنین درود و تشکر خود را از همه اعضا و هواداران حزب دمکرات دارد که در این مدت با شجاعت و درایت و وظیفه‌شناسی بی نظیر خود با نشر سیاست حزبی در این خصوص، حزب دمکرات کوردستان ایران را در پیروزی تحریم انتخابات و دستیابی به این هدف فعالانه تلاش نمودند.

### توده‌های مردم کوردستان!

وظیفه و فعالیت و مبارزه شما در حق طلبی بعد از ۱۱ اسفند وارد مرحله‌ای دیگر خواهد شد و از مرحله تحریم به اصطلاح انتخابات عبور کرده و در تحریم همه جانبه رژیم در همه ابعاد ادامه خواهد داشت. شما باری دیگر با موضعی هوشیارانه و درک سیاسی و شجاعتتان و با صدای رسای "نه" در حساسترین زمان به رژیم اعلام نمودید و با پیروزی بر اراده رژیم که همه توان خود را برای برداشت ثمره این به اصطلاح انتخابات به کار گرفته بود، توانستید تصویر زنده‌ای دیگر از حماسه پر شکوه اتحاد، همبستگی و یک موضعی

مبارزه‌مندان خلق نمایید. شما باری دیگر به کشورها و جامعه جهانی اثبات کردید که رژیم بحران آفرین و جنگ‌افروز جمهوری اسلامی ایران که ثبات را در منطقه به خطر انداخته در داخل کشور چه اندازه حقیر و نامشروع بوده و پایه‌های حاکمیتش چه اندازه سست و لرزان می‌باشد، پس لازم است جدیتر صدا و اراده توده‌های مردم ایران برای گذار از این رژیم بشنوند و از مبارزه حق طلبانه ملل ایران حمایت کنند.

در پایان اتحاد و همبستگی و حضور میدانی شما در مبارزه و "نه" گفتن به جمهوری اسلامی این وظیفه و مسئولیت را برای احزاب سیاسی و اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند تا متعهدانه و جدی دستاوردهای ۱۱ اسفند توده‌های مردم ایران را به دست‌مایه همبستگی سراسری و مبنای آلترناتیوی برای گذار از جمهوری اسلامی قرار بدهند. به این امید پس از رفراندوم ۱۱ اسفند با اتحاد عملی بیشتر مبارزه همه جانبه و گسترده برای پیروزی نهایی بر رژیم جمهوری اسلامی ایران جدیتر و فراگیرتر در جریان باشد.

### مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان

ایران

۱۲ اسفند ۱۴۰۲

## خالد عزیزی:

## ایران در جبهه‌ی کشورهای علیه و ناقض دمکراسی، حقوق بشر و ارزش‌های جهانشمول دمکراتیک جهان قرار دارد

(متن سخنرانی سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران در نشست سازمان اینترناسیونال سوسیالیست در کشور اسپانیا)

جناب رئیس!

جناب دبیرکل!

اعضای محترم هیات رئیسه!

حضور محترم نشست اینترناسیونال

سوسیالیست!

بسیار خوشحالم که به نمایندگی از سوی حزب دمکرات کوردستان ایران در این نشست حضور یافته‌ام. هم زمان این فرصت را غنیمت شمرده که اگر به طور اجمالی نیز باشد توجه شما را به وضعیت کنونی خاورمیانه و علی‌الخاص شرایط ایران و مسئله کورد و همچنین روند آزادی و دمکراسی‌خواهی در این کشور جلب نماید. جنگ اسرائیل و حماس طی چند ماه گذشته و گسترش شعله‌های این جنگ به چند کشور منطقه مجددا توجه جامعه جهانی را به پیچیدگی و بی‌ثباتی خاورمیانه جلب نموده است. جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ ایدئولوژی و سیاست خارجی و هم از جهت تحریک و تهدیدات شبه نظامیان و نیروهای نیابتی در چند کشور منطقه یکی از علل اصلی بحران‌های روزافزا و بی‌ثباتی در خاورمیانه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران طی ۴۵ سال گذشته به طور مستمر منابع مالی این کشور را برای دخالت‌های سیاسی، ایجاد بحران و عدم بی‌ثباتی در کشورهای همسایه هزینه کرده و هم زمان مردم این کشور را به عنوان سپری برای

مقاصد سیاسی و جنگ ایدئولوژی و هژمونی‌طلبی در منطقه به گروگان گرفته است. بدون شک اگر در ایران دمکراسی موجود بود و حکومتی دمکراتیک منابع مادی و انسانی این کشور را در راستای توسعه کشور به کار می‌گرفت؛ اکنون نه این کشور در داخل غرق در بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌بود و نه در منطقه و جهان نیز به عنوان عامل اصلی جنگ و ناآرامی شناخته می‌شد.

### حضور محترم!

اگر چه اعتراضات مردم ایران علیه حاکمیت سیاسی در این کشور در طول عمر این رژیم ادامه داشته است، اما جریان اعتراضات طی یک دهه گذشته و به ویژه در پاییز سال گذشته که جنبش ژینا (ژن، ژیان، آزادی) توجه جهان را به سوی خود جلب نمود؛ مشروعیت سیاسی و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران به کلی زیر سوال رفت. مطالبات اصلی این جنبش عبارتند از تامین آزادی‌های سیاسی و مدنی، اعتراف حقوق ملی پایمال شده ملت‌های این کشور تحقق آن که تاکنون ادامه دارد و همچنین گذار از حکومت دیکتاتوری و سرکوبگر به حکمرانی سیاسی دمکراتیک و پولوال. اما جواب جمهوری اسلامی ایران به مانند همیشه در ابتدا امنیتی نمودن بیشتر کوردستان به عنوان منبع الهام و آغازگر اصلی این جنبش و سپس سرکوب خونین این جنبش در همه ایران به ویژه کوردستان و بلوچستان بود. نیروهای مسلح رژیم ایران جنبش مدنی

و مسالمت‌آمیز مردم را به خاک و خون کشیدند و در سرکوب این اعتراضات حتی سلاح نیمه سنگین را علیه مردم مدنی به کار گرفتند. بدین ترتیب رژیم صدها نفر را در خیابان و در زندان کشت که بخشی از آنان کودکان بودند. همچنین ده‌ها هزار نفر را به زندان افکند و با پرونده‌سازی علیه آنان رای به صدور حکم حبس سنگین داده و به منظور ارباب مردم و تحمیل فضای رعب و وحشت تنها طی یک سال گذشته حدود ۹۰۰ نفر را اعدام کرده که بخشی از آنان بازداشت‌شدگان جنبش ژن، ژیان، آزادی بودند.

### دوستان گرامی!

بدون شک بیشتر شما با رسالت و محتوای جنبش سیاسی کورد در ایران آشنایی دارید و رهبران حزب دمکرات کوردستان ایران را می‌شناسید. به ویژه دو دبیرکل سابق حزب، دکتر عبدالرحمن قاسملو که به هدف حل مسئله کورد از طریق مذاکره و صلح بر سر میز مذاکره با هیئت دیپلمات ایرانی توسط آنان ترور شد. همچنین دکتر صادق شرفکندی دبیرکل دیگر اسبق حزب دمکرات که در هنگام بازگشت از اجلاس اینترناسیونال سوسیالیست در شهر برلین آلمان توسط یک تیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران همراه با سه تن دیگر از همراهانش ترور شدند.

برنامه حزب دمکرات تحقق حقوق و آزادی‌های ملت کورد در ایرانی دمکراتیک و باثبات بدون هرگونه تبعیض و به حاشیه‌راندن است. اما به جای پیگیری و پاسخ دادن مطلوب به مطالبات حزب دمکرات و معتنم

شمردن استراتژی سیاسی حزب دمکرات در طول عمر رژیم ایران به شیوه‌های گوناگون مجازات شده‌ایم. با یورش و نظامی‌کردن کوردستان، بازداشت و اعدام فعالان سیاسی و مدنی کورد، با جلوگیری از توسعه انسانی و اقتصادی کوردستان، تلاش سیستماتیک برای انکار و حذف هویت تاریخی، فرهنگی و زبانی کورد، با سرکوب خونین اعتراضات مدنی مردم کوردستان در خیابان، با حملات پهنادی و موشکی به کمپ‌های مدنی حزب دمکرات کوردستان ایران که از سوی ناگزیری در اقلیم کوردستان سکنا گزیده‌اند و همچنان که خود مستحضرید در حمله موشکی سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی سپاه پاسداران رژیم ایران به کمپ‌های ما چندین تن از زنان و کودکان جان باختند.

### نمایندگان احزاب سیاسی عضو در

#### اینترناسیونال سوسیالیست!

حضور خود را در ایران نشست را فرصتی قلمداد می‌کنم تا از شما و احزاب عضو در

سازمان اینترناسیونال سوسیالیست بخواهم در رابطه با وقایع خاورمیانه بی‌تفاوت نبوده و به ویژه در رابطه با مبارزه مشروع ملت کورد و اقلیت‌های دیگر این کشور برای بنیان نهادن ایرانی دمکراتیک و باثبات نقشی موثر و کارآمدتر داشته باشید. این خواسته ما در حالی رو به شما مطرح است که جهان به سوی دو قطب‌بندی ناخواسته گام می‌نهد و همچنانچه می‌بینیم ایران در جبهه‌های ناقض و علیه دمکراسی، حقوق بشر و بها و ارزش‌های دمکراتیک در جهان سنگر گرفته است.

### حضور گرامی!

حزب ما در تلاش‌های خود برای ایجاد همدلی، اتحاد مبارزاتی و همبستگی احزاب سیاسی و ائتلافی برای گذار از جمهوری اسلامی و بنیان نهادن ایرانی دمکراتیک با ویژگی‌های مشترک سیاسی همه ملت‌ها و اقلیت‌ها در تصمیم‌گیری و اداره این کشور ادامه دارد. بدون شک پیام روشن شما و حمایت شما از جنبش اعتراضی مردم ایران برای این هدف تاثیرگذار خواهد بود. با تشکر از وقتی که در اختیار من گذاشتید.



## ماموستا عبدالله حسنزاده: سخنرانی ۱۱ اسفند دکتر قاسملو یک مانیفست به دست نسلهای فعلی و آینده داده است



عبدالله حسن زاده

اشاره: ۱۱ اسفند ماه سال ۱۳۵۷ یکی از مهمترین روزهای تاریخی مبارزه سیاسی کورد در کوردستان ایران و حزب دمکرات است. در این روز آغاز مجدد فعالیت علنی حزب دمکرات کوردستان ایران از سوی شهید جاوید نام، دکتر قاسملو اعلام شد و مردم آزادیخواه کوردستان یکبار دیگر بمنظور بدست گرفتن زمام سرنوشت خود به میدان آمده و دوباره اعتماد خویش را نسبت به حزب دمکرات ابراز داشتند. جهت روشنگری بیشتر در خصوص ارزش این روز تاریخی در مبارزه سیاسی ملتمان، مصاحبه‌ای با ماموستا عبدالله حسنزاده، سیاستمدار و مبارز دیرین کورد که خود یکی از سازماندهندگان و سخنرانان این روز تاریخی بود، ترتیب داده‌ایم.

ماموستا مصاحبه را با این سؤال آغاز

### مصاحبه: شهرام سبحانی

● می‌کنم که چرا ۱۱ اسفند در تاریخ حزب دمکرات و کوردستان ایران بعنوان یکی از مهمترین و بزرگترین رویدادهای تاریخی ملی توصیف می‌شود؟

پس از گذشت بین از ۳۳ سال از تأسیس حزب دمکرات و بیش از ۲۲ سال از عقب نشینی جنبش آزادیخواهانه‌ی کورد در کوردستان ایران و در پیش گرفتن فعالیت مخفی از سوی حزب که دوران سخت و پرفراز نشیب و قربانی دادن بود، این نخستین باری بود که حزب دمکرات، آنهم در دوران رهبر شایسته‌ای چون دکتر قاسملو مستقیماً و به شیوه علنی با توده‌های مردم کوردستان سخن گفته و دیدگاه‌های خود را با آنها در میان می‌گذارد. به همین دلیل بجاست که قبول کنیم که این رویداد پس از دوم بهمن ۱۳۲۴ برای حزب و همه‌ی اقشار و طبقات جامعه‌ی کوردستان خوشترین و بزرگترین رویداد تاریخی تا آزمان بود. حق آن است که این نکته را تصریح کرد که متینگ ۱۱ اسفند نه تنها برای مردم کوردستان اعم از کلیه‌ی تشکلهایش، بلکه برای همه آزادیخواهان ایران نیز مناسبت و فرصتی تاریخی بود. به همین دلیل غیر از آنهایی که از سوی حزب دمکرات دعوت شده‌بودند، هزاران فرد تشنه آزادی از اکثر مناطق ایران بویژه از تهران جهت شرکت در این متینگ خود را به مه‌آباد رسانده بودند.

● مهمترین دستاوردهای ۱۱ اسفند سال ۵۷ برای حزب دمکرات و مردم کوردستان کدامها بودند؟ بنظر شما این دستاوردها چه تأثیری بر آگاهی ملی کورد در آندوران و حال حاضر برجای گذارده است؟

می‌توانم بگویم که بزرگترین دستاورد آن روز خود برگزاری متینگ بود. شوخی نیست، پس از بیش از ۳۰ سال فشار و اختناق که اجتماع بیش از ده نفری و برخی اوقات کمتر از آن نیز تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و برهم زده می‌شد یا افرادی بدلیل آن بازداشت می‌شدند، حال بیش از یکصد هزار نفر - و به روایت روزنامه اطلاعات، دویست هزار نفر - به گونه‌ای آشکار بدور یکدیگر گرد می‌آمدند

## مصطفی هجری: در جغرافیای کثیرالملله ایران، بدون بازتعریف دوباره مسئله حاکمیت دیگر نمی‌توان به فکر تداوم زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم بود

محکوم می‌شوند. این ستم ملی در اساس از طریق ایجاد مرزهای بی عدالتی در میان مرکز و حاشیه به وجود آمده است که بعد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، تاسیساتی، فرهنگی، زبانی، محیط زیستی و آیینی دارد. تعریفی که در ایران نسبت به ملل دیگر می‌شود با واقعیت تاریخی، جغرافیایی و سیاسی این کشور در تضاد است. ما بر این باور هستیم حذف سیستماتیک ملت کورد، ادامه سیاست اشغالگری، نظامی کردن زندگی و خفه نمودن فکر متفاوت و پایمال نمودن حقوق بشر در کوردستان هیچ راهی باقی نگذاشته است که ما مانند ملت کورد بتوانیم به سیستمی اساس یک ملت، یک زبان و یک آیین ایجاد شده باشد. رژیم جمهوری اسلامی ایران و هر گونه ایدئولوژی که بر اساس ناسیونالیسم تنگ نظر ایجاد شده باشد نخواهد توانست مسائل ایران و به ویژه مسئله کورد را حل کند. ما به عنوان ملت کورد بر این باور هستیم که در جغرافیای کثیرالملله ایران بدون بازتعریف مسئله حاکمیت در ایران دیگر نمی‌توان به فکر ادامه زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم بود. اگر قرار باشد سیستم سیاسی آینده ایران بر اساس حاکمیت ملت فارس بر سایر ملل دیگر باشد دوباره حلقه بدون نتیجه سرکوب و حذف تکرار خواهد شد که در آن ملل غیر فارس محروم خواهند شد و اصول دمکراسی نیز در آن نخواهد بود. باید نشانه‌ها و پایه‌های ایران آینده از نو بازتعریف شوند. این نیز بدون شک نیازمند لغو و از بین بردن حاکمیت مرکز و بازسازی حاکمیتی مشترک و حقوق برابر همه ملل می‌باشد.

انقلاب ژینا مانند رویدادی تاریخی چند بعدی از بسیاری جهات تاثیر گذاشته است. حذف رادیکالیسم در جنبش ژینا از سنت‌های متحجرانه قدرت استبدادی، تغییری عمیق به دنبال داشته که زمینه و زیربنای تغییراتی بزرگتر می‌باشد. سرکوب شاید بتواند سمت و سوی تغییرات را به خشونت سوق دهد اما نمی‌تواند برای آن محدودیت ایجاد کند. این تغییرات فکری و ریشه‌ای بر اساس زیربنایی پر هزینه از ستم و عدم حقوق و احساس نبود کرامت استوار گردیده است. برای ما ملت کورد به همان اندازه که سرنگونی رژیم ایران هدف ما است به همان اندازه هم مسئله ملی و دمکراسی دو خط اصلی و نظمی لایتغرنند. از این موضوع مهمتر، گذار از هر گونه عقلیت انحصارگرایانه است که خواهد تجربه رژیم های پادشاهی و اسلامی را تکرار نماید.

ما از کشورهای آزاد و دمکراتیک خواستاریم که برای ایجاد سیستمی دمکراتیک؛ بر اساس منشور حقوق بشر و ارزشهای آزادی و عدالت به جنبش آزادیخواهی ایران همکاری نمایند سیستمی که با گذار از سنت‌های متحجرانه کرامت را به زندگی افراد و جمع این ملتها بازگرداند.

داشت. آیت الله خمینی رهبر و موسس جمهوری اسلامی ایران فرمان جهاد علیه ملت کورد و جنبش آن را صادر نمود.

در نتیجه انحصارطلبی سیاست ضدبشری و انحصارخواهی جمهوری اسلامی ایران جغرافیای سرزمین‌های ملتهای تحت ستم، به ویژه کوردستان مستقیماً جغرافیای سرکوب و اشغالگری بوده است. علل مخالفت کورد و سایر ملل دیگر و اراده مقاومت و مبارزه آن علیه مرکز را باید در لایه‌لای مبارزه و تلاش‌های آنان در مراحل حساس عمر جمهوری اسلامی ایران تفسیر کرد و مورد بحث قرار داد. طی مدت ۴۵ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ایران سیاست سرکوب در قبال خواست حقوق بشر صورت گرفته است. در جغرافیای ملل غیر فارس، به ویژه کوردستان در همه ابعاد امنیتی نمودن زندگی و سیاست های مرگ بکار رفته است تا ساکنان آن از حقوق خود محروم شوند. سیستم رژیم جمهوری اسلامی ایران بر اساس مخالفت با حقوق ملی، آزادی بیان، آزادی مذهب و هر گونه فکریت سیاسی متفاوت بنا نهاده شده است. به ویژه در این اواخر ملت کورد و جغرافیای کوردستان بیشترین سهم را از نسل کشی، غارت منابع طبیعی، کوچاندن اجباری ساکنان و تلاش برای تغییر بافت جمعیتی کوردستان، حذف زبان کوردی از سیستم آموزش، انکار آیین یارسان و فشار بر پیروان سنی مذهب و به عمد تضعیف نمودن اقتصاد کوردستان داشته است. آمارهای نهادهای حقوق بشری طی ۴۵ سال گذشته مشخصاً نشان داده که نسبت به جمعیت؛ ملت کورد بیشترین میزان اعدام، زندانی، تبعید، شکنجه و تهدید بر جان و مال فعالان حقوق بشری و محیط زیستی در ایران داشته است. برای مثال فقط در سال ۲۰۲۳ میلادی ۸۳۹ نفر اعدام شده‌اند که ۱۹۹ نفر آنان کورد بوده‌اند.

کوردستان داری فرهنگی متنوع بوده و همین موجب شده که انسانها با هر فکر و اندیشه و مذهبی با هم معاشرت داشته باشند. اما سیاست های غیردمکراتیک رژیم جمهوری اسلامی ایران علیه جامعه متکثر کوردستان است. کوردستان همیشه نشان داده که نسبت به زنان جامعه‌ای بازر تر بوده و به همین دلیل سکوی انقلاب ژینا نه‌مینی در سال ۲۰۲۳ بوده است. جنبش ژینا با شعار ژن، ژینان، آزادی که مشروعیت را از رژیم گرفت، تلاشی بود برای حذف رژیمی که در طول عمر خود حقوق زنان را پایمال نموده است.

این انقلاب به سرعت و با پیشاهنگی زنان و جوانان، همه اعتراضات در کوردستان و ایران را متحدانه فریاد زد که تا این رژیم پابرجا باشد هیچ انسانی نخواهد توانست دارای زندگی مستقل و آزاد و با کرامت باشد. گرچه در مدت بیش از یک سال جنبش ژینا هم شاهد بودیم بیشترین کشتار، سرکوب و زندانی باز هم در کوردستان است. در کوردستان تاکنون نیز فعالان حقوق بشر و زبان و محیط بانان به اتهام دفاع از آزادی و حق زندگی اعدام می‌شوند یا به زندانی های طولانی

اقتن سخنرانی مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات در سیمینار ایران از دیدگاه کوردها، وضعیت کوردستان ایران و آینده کورد در ایران در پارلمان کشور دانمارک]

در آغاز سده‌ی ۲۰ و با تاسیس دولت - ملت بالادست، مسئله ملی و موضوع دمکراسی در جغرافیای ایران به مانند دو مسئله اصلی به حاشیه رانده شده‌اند، این دو موضوع هم مسئله اصلی ملل تحت ستم ایران بوده‌اند.

در نگاه کلی، مبارزه برای حقوق ملتها و مسائل مربوط به آزادی و کرامت انسان و زندگی امروزی بطن معادلات و کشمکش‌های میان مرکز - حاشیه بوده است. اگر چه سرکوب و ستم مرکز در مدت حاکمیت دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی استمرار داشته اما نتوانسته مبارزه ملی ملل تحت ستم را در راه حقوقشان کم رنگ جلوه دهد، بالعکس هوشیاری سیاسی و رشد فکر ملی در اوج خود قرار دارد.

مصدق زنده برای اثبات این موضوع جنبش ژینا است که با شعار ژن، ژینان، آزادی جنبش آزادیخواهانی حاشیه را به مرحله‌ای نوین سوق داد. جنبشی رادیکال که در کوردستان آغاز گردید و گسترده‌ترین و ساختارشنکترین جنبش علیه مرکز بود. هویت ملی کورد بنیان موضوعی دارد، از قبیل خاک، زبان، فرهنگ و تاریخ مشترک. بر اساس این موضوعات ملت کورد اراده کلی برای رهایی و دستیابی به حاکمیت سیاسی بر سرزمین خود را داشته است.

حزب دمکرات کوردستان ایران، بازیگری فعال و مستمر میدان مبارزه ملی، رقیب و علیه مرکز بوده است. چهارچوب فکری و فلسفه حزب دمکرات بر این اساس استوار گردیده است. علیه هر گونه استبداد و انحصار و دیکتاتوری می‌باشد. پاینده به زندگی مسالمت آمیز با واحدهای ساختاری در جغرافیای ایران می‌باشد. این حزب ملل تحت ستم را هم پیمان اصلی خود دانسته و با همه نیروها و جریانهای آزادیخواه دیگر ایران که به اصول حقوق ملی و دمکراسی داشته‌اند روابط عمیقی دارد. حزب ما که تاسیس آن در نتیجه اعتلای فکر سیاسی و سازماندهی ملی بوده است همه تلاشهایش در راستای تامین حقوق ملی کورد در ایران است.

حزب دمکرات در دوران هر دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان حزبی ممنوعه اعلام شده و به صورت مستمر در ایران و خارج از مرزها مورد هدف، توطئه و تهدیدات گسترده قرار گرفته است. در آغاز انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، این حزب تلاش نمود از طریق مذاکره، راه حلی صلح آمیز و دمکراتیک برای مسئله ملی کورد پیدا کند. اما با نظر "نه" قدرت مرکزی روبرو گردید. حتی مذاکرات هیئت های نمایندگی مردم کورد با نمایندگان تهران نتیجه‌ای نداشت که حزب دمکرات نیز خود در آن عضو بود. نظر "نه" رژیم سیاست جنگ در کوردستان را به دنبال

و در مورد مهمترین مسائل سرنوشت ساز خود سخن می‌گفتند. برآستی ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ نمای مرحله‌ی امیدبخشی در تاریخ مبارزه حق طلبانه خلقهای ایران بود.

دستاورد مهم دیگر بویژه برای مردم کوردستان افق سیاسی بود. در روزهای قیام مردم ایران علیه رژیم پادشاهی این سخن برسر زبانها بود که "همه می‌دانند چه نمی‌خواهند، اما هیچکس نمی‌داند که چه می‌خواهد". البته افراد آگاه و هشیار بسیاری بودند که می‌دانستند چه می‌خواهند، اما نه تنها در سراسر ایران، بلکه حتی در کوردستان نیز همصدایی‌ای در میان نبود. اما اکنون یک حزب مجرب آنهم از زبان رهبر شایسته‌ی خود نقشه راه مبارزه طولانی مدت کورد و حتی افق آینده‌ی کل ایران را در مقابل دیدگان افرادی که چشم دیدن داشتند، قرار داد. اگر بدقت به سخنرانی ۱۱ اسفند دکتر قاسملو بپردازیم، بدون هیچگونه تعصبی مشاهده می‌کنیم که او مانیفستی بدست داده که نه تنها برای آندوران و حال حاضر، بلکه برای نسلهای آینده‌یمان نیز در رؤوس کلی روشنگر افق فراروی مبارزان کورد در کوردستان ایران است.

● ماموستا مایلم از زبان خود جنابعالی یکی از شرکت کنندگان متینگ ۱۱ اسفند، یا یکی از سازماندهندگان این متینگ بشویم که بخش مهم سخنان دکتر قاسملو در پیام ایشان چه بود؟

باور کنید ساده نیست که بخش مشخصی را بعنوان بخش مهم بیانات دکتر قاسملو تعیین کنیم. همه بیانات وی مهم و حاوی رهنمود و نقشه‌راه و آموزنده بود. بازخوانی پیشینه مبارزه مردم کوردستان و لزوم وحدت صفوف همه اقشار و طبقات خلق کورد و فراتر از آن اتحاد میان کلیه خلقهای ایران و ارائه‌ی راه حل مشکلات کشور به مقامات و پیشنهاد سالمترین سیاست برای مناسبات دیپلماتیک دولت و برسمیت شناختن و احترام به همه تشکلهای جامعه‌ی کوردستان و کلیه خلقهای ایران و بسیار نکات سودمند دیگر در یک سخنرانی کوتاه نیم ساعته تنها از عهده شخص خردمندی چون دکتر قاسملو ساخته بود.

● یکی از محورهای مشخصی که دکتر قاسملو در سخنان خود بر آن تأکید می‌ورزد اتحاد و وحدت میان مردم و نیروهای سیاسی با خود و یکدیگر است. چرا این

ادامه در صفحه ۴



## مقایسه سرنوشت سه رهبر: نلسون ماندلا، معمر قذافی و سیدعلی خامنه‌ای

که مبنای ادامه دیکتاتوریش بعد از به قدرت رسیدن بوده مثل "قتل" و "خونریزی" در داخل و خارج از مرزهای ایران بوده و هست بلکه پا فراتر گذاشته و خود را در جایگاهی می بیند که علاوه بر تمام جنایاتی که مرتکب شده در داخل و خارج ایران برابر به مردمان کشور ایران رو داشته؛ حال به فکر حسینه کردن "کاخ سفید در آمریکا" و نابودی کشور اسرائیل می باشد. چون خامنه‌ای هم مثل قذافی مبنای قدرتش همان "کلیدواژه های" بوده که مدام در سخنانش نسبت به مردم ایران می شنویم عبارتند از:

من میگم مردم غلط میکنند مردم عقلشان قدیمی کشد من بیشتر میفهمم مردم رعیت هستند و من مالک آنها هستم، از این چنین گفته مدام شاهدش بوده ایم. ماجرای تشابه خامنه‌ای با قذافی در زمینه قدرت بدون پاسخگو بودن در برابر مردم، و خود را در جایگاه خدا قرار داده است، گفته های که در همین چند روز گذشته عنوان نمود که سوژه رسانه ای دنیا گردید: "نشستن روپله ها و حرف ها و گفته های که به قول خودش می گفت فی البداهه در دهانش گذاشته شده از طرف خداوند بود ولی من همینجوری میگفتم" که بازتاب آن در اکثر رسانه ها مخابره گردید و سوژه ی رسانه ای گردید!

همچنان اگر خیلی گذراه به گفته ها و مصاحبه "اورینافالچی" روزنامه نگار و مصاحبه گر سیاسی ایتالیایی که با قذافی داشته است بنگریم، از قذافی می پرسد: آیا اعتقادی به خدا دارید؟

اما وقتی با پاسخ مثبت معمر قذافی مواجه میشود، با کنایه ای طنزآلود "اورینافالچی" می زند و می گوید: برای اینکه من فکرمی کردم که شما خود خدا هستید حال متوجه خواهیم شد که خامنه‌ای هم مثل قذافی گفت "من نگفتم" ما صدای مردم را نشنید، مطالبات مردم را نخواند و نمی خواهد بخواند.

قبل از بدست آوردن اریکه قدرت خودش گفت این مسئولیت رهبری خیلی سنگین است و خود عنوان کرد که: "باید به حال مردمان خون باید گریست" اما وقتی سریر و اریکه قدرت را بدست گرفت همان شد که قذافی بود و میخواست بشود، بلکه هزاران برابر بیستر از معمر قذافی و خطرناک تر از رهبر لیبی!

بدست شده است.

**ماموستا جنباعالی نیز یکی از سخنرانان این متینگ بودید. ۴۵ سال پس از این رویداد چگونه از این روز یاد می کنید، بویژه چگونه به پیام و بیانات آنروز خویش می نگرید؟**

سخنان من در آنروز عمدتاً پیام خوشامدگویی به شرکت کنندگان در متینگ بود، زیرا آنزمان مسئول تشکیلات حزب در مهاباد و به عبارتی میزبان بودم. اگر قرار به ارزیابی آن باشد هم، این کار من نیست و افراد دیگر باید در مورد آن نظر بدهند.

ماموستای گرمی خسته نباشید و سپاس فراوان از اینکه وقت گذاریدید و در این مصاحبه شرکت کردید.

سپاس، پایند نباشید.



بلکه چندین برابر هم بیشتر، وف راتر از معمر قذافی، قذافی ادعای رهبریت جهان اسلام را نکرد، ولی خامنه‌ای علاوه بر رهبریت خودخوانده جهان اسلام آن هم اسلامی که از دو مذهب تشکیل شده مذهب تسنن و تشیع که هیچ کدام از این دو مذهب باهم هیچ تشابهی نداشتند بلکه این مذاهب خود نیز علاوه بر چند فرقه بودندشان که تسنن به چهار فرقه و تشیع نیز به چند فرقه ای بودندشان که در کل با تقسیم بندی دو مذهب خود تسنن و تشیع چنان سنخیتی باهم نداشتند بلکه در تقابل با همدیگر بودن رادار بودند.

اما اگر به جریانات اسلامگرایانه بنگریم هیچ کدام از آن جریانات مثل چند جریان افراط گرایی که شالوده اساس شان بر مبنایی "ترور"، "وحشت" و ارباب و اعمال افراط گرایانه هیچ وجه مشترکی به لحاظ ایدئولوژی و اعتقادی ندارند. منتها فقط مخرج مشترکشان با جریانات افراط گرایی گره خورده که بتواند در کارهای خرابکارانه در سطح منطقه خاورمیانه و جهان را انجام بدهند دارا هستند.

خامنه ای بر تمام شاخص های قذافی

پیشگاه ابدیت تاریخ ایستاده اند و ما تنها به احترام ماندلا می ایستیم! اما کارنامه تاریخی خامنه‌ای چنان مردود هست، هنوز که هنوزه سیاه تر مردودتر، و ما منتظر خواهیم بود که این کارنامه به مراتب سنگین تر از شخص قذافی را در زباله دان تاریخ منتظرش خواهیم بود، حال جای برای احترام در تاریخ برای خود و حلقه اطرافش باقی نخواهد گذاشت!

خامنه‌ای هم خود را انقلابی و آزادی خواه خواند و هم مبارز اما مبارزی که یک شبه آیت الله شد، حلقه اطرافش از آخوندهای پر شد که فقط چشم طمع به ثروت و سامان کشور ایران دوخته بودند و وجه ای درخور که بتوانند در نزد شیعیان از مشروعیت برخوردار باشند دار نبودند و همه میدانیم که این افراد حلقه قدرت در نزد شیعیان از تشیع برخوردار نبودند! و بودن آخوندهای از میان مراجع تقلید مذهب تشیع که اصلاً شخص خامنه‌ای را قبول نداشتند که در حوصله این نوشته خارج است... و اما.....

واضح است که تمام فاکتورها و شاخص های آقای معمر قذافی در خامنه‌ای است

دهانشان را به نعره گشودن تاگوش مردمانشان از صدایش پر باشند، ماندلا کتاب مردم خود را خواند ولی قذافی و خامنه‌ای نوشتند و گفتند، اما مردم را به خواندن و گوش دادن وادار کردند. ماندلا خودش از قدرت کناره گرفت یعنی به گونه ای که خود را کشت، تا مردمانش زنده باشند ولی قذافی و خامنه‌ای مردمانشان را کشتند، تا خودشان زنده به مانند.

ماندلا گفت "ما" و قذافی و خامنه‌ای هر کدام گفتند "من"، ماندلا به مردمانش توجه کرد و آنها را فرزندان خودش خطاب کرد، قذافی مردم را سوسک و موش خطاب کرد، خامنه‌ای هم گفت مردم "منی فهمند" و هر از چندگاهی "غلطی" میکنند.

ماندلا پیش از این که از زندگی کناره بگیرد خود را از قدرت کناره گذاشت و قذافی تا آخر به تخت و خیمه اش فکر کرد و اندیشد تا از قدرت ساقطش کردند، خامنه‌ای هم دارد ادامه میدهد که از قدرت بماند اما غافل از آن است که به سرنوشتی بس دشوارتر از قذافی دچار خواهد شد. و حالا نلسون ماندلا و معمر قذافی هر دوی اینها در



دکتر توفیق حیدریان

ماندلا، قذافی و خامنه‌ای هر سه این افراد به قدرت رسیدن، ماندلا مبارزی راستین بود، که بدون خونریزی سر کار آمد اما قذافی مبارزی بود که با خون به سر کار آمد، خامنه‌ای در همان دوران مبارزاتیش با خون شروع کرد چون مبارز نبود. یکی از مبارزات خامنه‌ای فاجعه سینما رکس آبادان بود، لذا خامنه‌ای هم با "خون" قتل و کشتار سر کار آمد. هر سه بر مسند قدرت نشستند، ماندلا بدون "خونریزی" ادامه داد اما قذافی و خامنه‌ای با خون مسند قدرتشان را ادامه دادند.

ماندلا گوشش را برای شنیدن صدای مردم باز کرد، ولی قذافی و خامنه‌ای

**پیش شرط مهم در مبارزه برای پیروزی هنوز آنگونه که باید و شاید تحقق نیافته است؟**

در پاسخ به اینگونه سؤالات بسیاری اوقات گفته می شود که دشمنان اجازه نمی دهند متحد شوند. من هیچ گاه چنین اعتقادی نداشته و ندارم. حتی این گفته را نوعی بی احترامی می دانم. زیرا بدین معناست که ما به رأی مردم و بانگ وجدان توجه نمی کنیم و به دشمنان و مخالفان خود چشم دوخته ایم که ببینیم چه چیزی را به ما دیکته می کنند. به عبارتی دیگر این امر به مفهوم فرار از مسئولیت و در جستجوی متهم در میان دیگران است. درست است که دشمنان در راستای ایجاد تفرقه میان ما تلاش می کنند، اما آنها از پراکندگی ما سود می برند، ولی خودمان چه؟ بنابراین خودمان مقصریم و می تواند دلایل بسیاری داشته باشد که مهمترین آنها تعصب و عدم احساس

مقابل اقلیت کوتاه بیاید از ابهت و هیبت آن کاسته می شود و اقلیت نیز به چیزی کمتر از "مسواک مطلق" راضی نخواهد شد. غافل از آنکه اگر به توافق برسند، اکثریت و اقلیت برهم نخواهد خورد و قرب و احترام هر دو طرف نیز نزد دیگری افزایش خواهد یافت.

**دکتر قاسملو بعنوان دبیرکل حزب دمکرات و مؤثرترین رهبر جنبش سیاسی کورد در دوران خود بمنظور به نتیجه رساندن این مبارزه و خلاصی از اختلاف و دو دستگی در جامعه کورد چه چیزی را ضروری می دانست و در این رابطه چه اقدامی بعمل آورد؟**

با عرض معذرت دکتر قاسملو نیز علیرغم عظمت و مماشات خویش، نظیر همه ما کورد بود و خون کورد در رگهای جاری بود. با اینحال تلاش فراوانی به خرج داد که بلای تفرقه را از دوش جنبش کورد در ایران بردارد. اما همواره تلاشهایش با

مسئولیت لازم است. شاید در این میان بتوانیم به دو دلیل اصلی بویژه در رابطه با کوردهای کوردستان ایران و نیروهای سیاسی ایران اشاره کنیم که عبارتند از: نخست خارج نشینی و عدم حضور تصمیم گیرندگان نیروهای سیاسی در داخل کشور نبود فشار توده های مردم و درک نکردن درد و آزار هم میهنان. آنهایی که دوران جنگ سه ماهه را دیده اند بیاد دارند که تأسیس هیأت نمایندگی خلق کورد عمدتاً در نتیجه و حتی تحت فشار آن گروه و جمع از مردمی بود که شهرهای گوناگون به حزب و سازمانهای سیاسی دیگر کورد مراجعه می کردند. دوم سرسختی اکثریت و زیاده طلبی اقلیت در میان نیروهای سیاسی کوردستان است. بدیهی است که برخی از نیروهای کوردستانی صرف نظر از ادعای خود بیشتر بوده و مردم فزونتری را گرداگرد خود دارند برخی هم کمتر. حال اکثریت معتقد است که اگر مقداری در



# فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان



فواد محمودی

مقدمه

تشخیص بیماری و فساد سیستماتیک در کوردستان بسیار مهم است. فقر و فساد سیستماتیک نه فقط بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این منطقه تأثیرگذار است، بلکه بر زندگی روزمره مردم و کیفیت زندگی آن‌ها نیز تأثیرگذار است.

یکی از دلایل مهم فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان عدم توازن در توسعه منطقه می باشد. در مناطقی همچون تهران و دیگه شهرهای مرکزی شاید شاهد رشد و توسعه نه چندان خوبی باشیم اما در کوردستان عامدانه هیچ کاری انجام نمی دهند. این باعث ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود که در نتیجه به فقر و عدم رشد جامعه منجر می‌شود.

عدم مدیریت صحیح منابع نیز یکی دیگر از فقر و فساد در کوردستان است.

استفاده از ناصحیح و غیربهره‌وری از منابع طبیعی و نیز عیب‌ها در نظام‌های مالی و اقتصادی می‌تواند باعث کاهش منابع و ثروت عمومی شود و در نتیجه باعث رشد فقر می‌شود.

عدم شفافیت و شکل‌گیری سیستم‌های آلوده به فساد نیز از دیگر عوامل مهم است. وجود فساداداری و سیاسی می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد تبعیض و نابرابری در دسترسی به خدمات و منابع عمومی تبدیل شود. با درک دقیق این موضوع، می‌توانم برنامه‌ها و راهکارهایی را اجرا شود تا این چالش‌ها مدیریت شوند و مسیر بهبود و توسعه پایدار در کوردستان ایجاد شود.

پیشینه تاریخی

کوردستان یک منطقه جغرافیایی و فرهنگی در منطقه ای است که از نظر تاریخی و فرهنگی دارای اهمیت زیادی است. رویدادهای متعددی در این منطقه رخ می‌دهد که بر توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن تأثیرگذار است.

از جمله رویدادهای مهم در کوردستان می‌توان به شکل‌گیری امپراتوری‌هایی کوردها و تشکیل حکومتی منظم با محوریت عدالت اجتماعی و برابری و فرهنگ و زبان کردی، در این منطقه حاکم هستند، اشاره کرد. همچنین، رویدادهایی مانند شکل‌گیری جبهه‌های موجود در زمان جهانی جنگ اول و دوم و تأثیر آن بر سرنوشت مردم کوردستان، نقش آنها در جریان‌های سیاسی و تأثیرات سرزمینی بعد از جنگ جهانی دوم و پیمان لوزان و موافقت‌نامه سایکس-پیکو ( Sykes-Picot Agreement )

یا موافقت‌نامه آسیای صغیر توافقی سری میان بریتانیا و فرانسه بود که در روز نهم ماه مه ۱۹۱۶ در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد. این توافق‌نامه به تقسیم کوردستان، سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد و در آن سرزمین ملت کورد پارچه پارچه شد.

این رویدادها و تأثیرات متعددی بر توسعه کوردستان داشته‌اند. تأثیرات سیاسی مثل استقلال کوردستان از جمله‌های تلاش‌ها برای خودمختاری کوردها و تغییرات سرزمینی و سیاسی در منطقه از دیگر پیام‌های این رویدادها بوده است.

اما در جغرافیایی کوردستان تحت اشغال ایران اگر به دنیای معاصر بیایم قیام ملت کورد به رهبری شهید قاضی محمد و تشکیل دولت جمهوری کوردستان و بعداً حمله دولت مرکزی در زمان سلطنت دیکتاتوری پهلوی اول و به خاک و خون کشیدن مردم کورد در نهایت اعدام اولین رئیس جمهور کوردستان قاضی محمد و ادامه مبارزات ملت بر علیه حکومت استبدادی شاهنشاهی تا سرنگونی آن در جریان قیام ملت‌های ایران و مصادره انقلاب ۵۷ توسط مکاران آخوند و قلع و قمع مبارزان و انقلابیون و فتوای جهاد خمینی بر علیه ملت کورد سالها جنگهای خونین در تمامی کوردستان و امنیتی کردن این دیار در نتیجه تاریخ کوردستان از تجارب و رویدادهای متنوعی است که همه با هم تأثیرات متعددی بر توسعه این منطقه و زندگی مردم دارند و هنوز هم ادامه دارند.

چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی در کوردستان نیازمند بررسی عمیق‌تر هستند.

۱. بیکاری این مسئله یکی از چالش‌های اساسی در کوردستان است. عوامل مختلفی مانند ناتوانی در تأمین اشتغال، کمبود فرصت‌های کاری متناسب با توانمندی‌های جوانان و ناسازگاری مهارت‌ها با نیازهای بازار کار، این مشکل را تشدید می‌کنند.

2. کاهش رشد اقتصادی: این چالش از نظرات متفاوتی ناشی میشود. به دلیل عدم تنوع در ساختار اقتصادی، مشکلاتی سیاستی، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و یا محدودیت‌های ارتباطی با بازارهای جهانی هست. برای حل این موضوع، تشویق به تنوع اقتصادی، استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش بهره‌وری و تسهیل در تجارت بین‌المللی مطرح می‌شوند.

3. ورشکستگی صنعت گردشگری: برای توسعه اقتصادی، حفظ امنیت و پایداری اجتماعی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است. ناامنی ناشی از تنش‌های امنیتی که عناصر رژیم آگاهانه و از روی آگاهی آن را انجام می‌دهند تا ناپایداری منطقه، می‌تواند از موانع اصلی در جذب گردشگری و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری تبدیل شود. افراد و سرمایه‌گذاران هنگامی که به خطر امنیتی در منطقه مواجه می‌شوند، ممکن است از سفر به این منطقه منصرف شوند یا سرمایه‌گذاری‌های خود را کاهش دهند.

صنعت گردشگری به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد و ایجاد اشتغال می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی منطقه ایفا کند. اما اگر ناامنی و تنش‌های امنیتی بر این صنعت تأثیر بگذارد، کاهش تعداد گردشگران و کاهش سطح سرمایه‌گذاری در این حوزه را به همراه دارد.

از این رو، اتخاذ تدابیر و اقدامات جهت حفظ و بهبود امنیت منطقه و ایجاد پایداری اجتماعی و سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. با ایجاد امنیت و آرامش در منطقه، می‌توان تعداد گردشگران را افزایش داد، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را جلب کرد و بنابراین به توسعه اقتصادی

و ارتقای صنعت گردشگری در کوردستان کمک کرد. که متأسفانه این موضوع در حال حاضر در اکثر نقاط ایران حاکم هست کسانی که به عنوان گردشگر به ایران سفر می‌کنند در زمان اقامت یا وقتی که قصد خروج دارند توسط تهمت‌ها واهی جاسوسی و غیره دستگیر می‌شوند. این موارد از مسائل اساسی هستند که بررسی و راهکارهای ممکن برای حل آنها می‌تواند به توسعه اقتصادی پایدار در کوردستان کمک کند.

عوامل سیاسی

سیاست‌ها نیز نقش بزرگی در ایجاد فقر و فساد دارند. برخی از تصمیمات نادرست و کارهای ضعیف تأثیر منفی خواهد داشت. بدست آوردن اطلاعات مربوط به عوامل سیاسی که در ایجاد فقر و فساد در کوردستان نقش داشته‌اند، اهمیت بسیاری دارد. برخی عوامل سیاسی که تأثیرات منفی در این منطقه داشته عبارتند از:

۱. تدابیر سیاسی نادرست: تصمیمات سیاسی که تأثیرات نامتعادل و ناپایداری را بر جامعه و اقتصاد منطقه دارند، ایجاد تفاوت‌های زیاد بین اقشار مختلف جامعه را به همراه دارند. عدم توجه به نیازهای اجتماعی، عدم برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه، و عدم شفافیت در فرآیندهای سیاسی از عواملی هستند که می‌توانند منجر به افزایش فقر و فساد شوند.

۲. فساد سیاسی و اداری: وجود فساد در نظام سیاسی و اداری می‌تواند به غنای بیشتر گروه‌های معین و تضييع منابع عمومی منجر شود. این امر باعث کاهش منابع مالی عمومی و ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود همچنان که روزانه شاهد هستیم

۳. عدم پایداری سیاسی: تغییرات مکرر در سیاست‌ها و نظام سیاسی منطقه باعث ناپایداری و عدم اطمینان در آینده می‌شود. این وضعیت ممکن است باعث کاهش سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی شود.

۴. تعارضات و عدم توافقات سیاسی: تعارضات و عدم توافقات بین گروه‌ها یا نهادهای مختلف سیاسی با حکومت مرکزی به تعلیق برنامه‌های توسعه‌ای و تصمیم‌گیری‌های مهم در مسیر توسعه اقتصادی منطقه منجر میشود.

این عوامل ممکن است به صورت مجموعه‌ای یا جداگانه تأثیراتی منفی بر روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کوردستان داشته باشند و به ایجاد فقر و فساد در این منطقه کمک کنند. بهبود فرآیندهای سیاسی، کاهش فساد، ایجاد پایداری و توافقات میان گروه‌ها می‌تواند در راستای کاهش این مشکلات و تسهیل در توسعه منطقه مؤثر باشد.

جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی

جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان دارد

۱. نگرش‌های اجتماعی: در فرهنگ جامعه، نگرش به مفهوم کار، تلاش و موفقیت می‌تواند تأثیرگذار باشد. اگر جامعه به سمتی متمایل باشد که ارزش کار و تلاش را کمتر بداند، ممکن است کمترین تلاش برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی صورت بگیرد.

۲. سطح تحصیلات و دانش: نقش تحصیلات و دانش در میزان پیشرفت و توسعه یک جامعه بسیار حیاتی است. عدم دسترسی به آموزش‌های کیفیتی، عدم

توجه به تحصیلات، و عدم توانایی جامعه در انتقال دانش و فن‌آوری می‌تواند به فقر و فساد منجر شود.

۳. تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی: وجود تفاوت‌های بین اقشار مختلف جامعه، می‌تواند زمینه‌ساز فقر و فساد باشد. عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های یکسان برای همه افراد می‌تواند موجب تشدید این مسائل شود.

۴. ترویج فرهنگ کارآفرینی و اقتصاد مقاومتی: ایجاد فرهنگی که به ارزش‌های کارآفرینی، خلاقیت، و کسب و کارهای مقاومتی توجه داشته باشد، می‌تواند به کاهش فقر و فساد کمک کند.

همه این عوامل در کنار یکدیگر، تأثیرات عمیقی در شکل‌گیری و ترویج فقر و فساد در جوامع می‌گذارند. تلاش برای توسعه فرهنگی و اجتماعی که به شفافیت، عدالت اجتماعی، و توسعه پایدار توجه داشته باشد، می‌تواند یکی از مسیرهای مهم برای مقابله با این مسائل باشد. دینامیک منطقه ای و نقشی آن در فقر و فساد

دینامیک‌های منطقه‌ای می‌توانند نقش مهمی در فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان داشته باشند: توزیع منابع طبیعی: وجود منابع طبیعی یا غنای طبیعی در یک منطقه می‌تواند منجر به تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی شدید بین افراد شود. استفاده نامناسب از این منابع می‌تواند به فساد و نابرابری در دسترسی به ثروت و منابع منجر شود.

تأثیرات سیاست‌های منطقه‌ای: سیاست‌های منطقه‌ای، به خصوص در زمینه اقتصاد، توسعه و توزیع منابع مالی و سرمایه، می‌توانند بر توسعه و توزیع عادلانه منابع تأثیر گذار باشند.

وجود تنش‌ها و تضادات منطقه‌ای: تضادات سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی بین گروه‌های مختلف در یک منطقه می‌تواند به فقر و فساد کمک کند. این تنش‌ها ممکن است توسعه و توزیع عادلانه منابع را مختل کرده و به جایگاه‌های نامرمانی و تضادهای اجتماعی منجر شوند.

تأثیرات ناپایداری‌های سیاسی و امنیتی: عدم ثبات سیاسی و امنیتی می‌تواند به فساد و ناتوانی در توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر شود. این وضعیت ممکن است سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه‌های بلندمدت را مختل کند.

روابط بین‌المللی و تأثیرات بیرونی: تأثیرات سیاست‌ها و تصمیمات بین‌المللی می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک منطقه اثر بگذارند.

به طور کلی، دینامیک‌های منطقه‌ای باعث تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه اجتماعی و اقتصادی یک منطقه می‌شوند. در صورتی که این دینامیک‌ها به نحوی تنظیم و مدیریت نشوند، می‌تواند به فقر و فساد سیستماتیک در طولانی مدت منجر شوند. در این زمینه، توجه به سیاست‌ها، توسعه منصفانه، و ترویج فرهنگ شفافیت و مشارکت می‌تواند برای مقابله با این مسائل مفید باشد.

مدیریت منابع مدیریت منابع یک نقش بسیار حیاتی در مقابله با فقر و فساد سیستماتیک دارد، به خصوص در کوردستان این نقش می‌تواند به چندین شکل برجسته شود:

۱. استفاده موثر از منابع طبیعی: کوردستان منابع طبیعی غنی دارد که از

آن جمله می‌توان آهن، طلا، سیلیس، آهک، گچ، منگنز، باریت، انواع سنگ‌های تزئینی و ... به گفته رئیس صنایع و معادن استان کوردستان تا سال ۱۳۸۷ بیش از چهار هزار و پانصد میلیون تن کانی از معادن استان استخراج شده بودند. مدیریت صحیح و موثر این منابع می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک کند. به کارگیری این منابع به نحوی که منجر به توسعه پایدار و بهره‌وری مناسب از آن‌ها شود، می‌تواند در کاهش فقر و فساد کمک کند.

۲. توزیع منابع و درآمد‌ها: مدیریت منابع باید به نحوی باشد که توزیع عادلانه‌تر درآمد‌ها و منابع صورت گیرد، به طوری که تمام اقشار جامعه بهره‌مند شوند. تعادل در توزیع منابع می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کند که یکی از عوامل اصلی فقر و فساد است.

۳. شفافیت و مبارزه با فساد: مدیریت منابع باید به شفافیت و عدالت مبتنی بر قانون انجام شود. افزایش شفافیت در مدیریت منابع، کاهش فساد و سوءاستفاده از منابع را ترویج می‌کند.

۴. سرمایه‌گذاری در توسعه‌های پایدار: مدیریت منابع به شکلی باید باشد که سرمایه‌گذاری‌های موثر در توسعه‌های پایدار انجام شود. این اقدامات می‌توانند اشتغالزایی، توسعه زیرساخت‌ها، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی را ترویج کنند.

۵. نقش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و دولت: شرکت‌ها و دولت‌ها نقش بسیار مهمی در مدیریت منابع دارند. این نهادها باید مسئولیت‌پذیری و انضباط مالی را رعایت کنند و با استفاده صحیح از منابع، به توسعه پایدار و تعمیق سطوح زندگی افراد کمک کنند. به طور کلی، مدیریت منابع با توجه به اصول عدالت، شفافیت، و استفاده بهینه می‌تواند نقش مهمی در کاهش فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان یا هر منطقه‌ای داشته باشد.

کمبود آموزش نقش‌های مهمی در فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان داشته باشد:

۱. ایجاد فرصت‌های محدود برای پیشرفت: عدم دسترسی به آموزش کیفیتی باعث شود که افراد به مهارت‌ها و دانش کافی برای شرکت در بازار کار نداشته باشند. این مسئله باعث کاهش فرصت‌های شغلی و درآمدی برای افراد میشود که به فقر منجر می‌شود.

۲. افزایش نابرابری‌ها: عدم تأمین آموزش مناسب می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کند. افرادی که به عنوان نتیجه‌ای از کمبود آموزش به مهارت‌های لازم برای ارتقاء اجتماعی و اقتصادی دسترسی ندارند، ممکن است در جامعه به موقعیت‌های پایین‌تری محکوم شوند.

۳. تضعیف توانمندی‌های جامعه: کمبود آموزش منجر به تضعیف توانمندی‌های جامعه در زمینه‌های مختلف می‌شود. این امر می‌تواند توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را مختل کند

۴. کاهش شفافیت و افزایش فساد:



عدم آگاهی و دانش باعث کاهش شفافیت و افزایش فساد در سیستم‌های مختلف میشود. این امر منجر به بهره‌برداری ناصحیح از منابع و سیاست‌های عمومی خواهد شد.

5. محرومیت زنان و دختران: کمبود آموزش به ویژه برای زنان و دختران به تضعیف نقش و اهمیت آنان در جامعه و بازار کار منجر می‌شود که این موضوع نیز به فقر و نابرابری‌های جنسیتی منجر خواهد شد. وبه طور کلی، کمبود آموزش در کوردستان می‌تواند به کمبود فرصت‌های پیشرفت، افزایش نابرابری‌ها، ضعف توانمندی‌های جامعه، افزایش فساد و نابرابری جنسیتی منجر شود که تمامی این موارد می‌تواند عوامل ترویج فقر و فساد سیستماتیک باشند.

کمبود زیر ساخت کمبود زیرساخت‌ها و نقش آن در فقر و فساد سیستماتیک کوردستان

1. کاهش دسترسی به خدمات اساسی: عدم وجود یا کمبود زیرساخت‌های اساسی مانند آب، برق، بهداشت، و حمل و نقل منجر به کاهش دسترسی به خدمات اساسی برای جامعه میشود. این موضوع می‌تواند از جمله عواملی باشد که به فقر و تضعیف شرایط زندگی افراد کمک می‌کند.

2. تأثیر بر توسعه اقتصادی: زیرساخت‌های نامناسب به توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های صحیح اجتماعی واقعی مانع میشوند. عدم وجود زیرساخت‌های موثر ممکن است باعث کاهش فرصت‌های اشتغال و توسعه اقتصادی منطقه شود.

3. افزایش نابرابری‌ها: کمبود زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی به افزایش نابرابری‌ها در دسترسی به خدمات، امکانات و فرصت‌های اقتصادی منجر شود. این موضوع باعث تشدید فاصله میان اقشار جامعه می‌شود.

4. محرومیت مناطق روستایی و عقب‌مانده: کمبود زیرساخت‌ها به طور خاص در مناطق روستایی به محرومیت و عقب‌ماندگی این مناطق منجر میشود. این وضعیت باعث فقر سیستماتیک در این مناطق خواهد شد.

به طور کلی، کمبود زیرساخت‌های اساسی می‌تواند به فقر، نابرابری، توسعه ناپایدار، فساد سیستماتیک و محرومیت برخی مناطق از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی دیگر منجر شود. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تأمین آنها می‌تواند بهبود موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را ترویج کند و به کاهش فقر و فساد کمک کند.

فساد اداری و فساد حکومتی

1. کاهش منابع و سرمایه‌های عمومی: فساد اداری و فساد حکومتی ممکن است به نحوی باعث از بین رفتن یا مصرف ناصحیح منابع و سرمایه‌های عمومی شوند. این عمل باعث کمبود منابع عمومی برای تأمین خدمات اساسی مانند بهداشت، آب، و زیرساخت‌ها میشود که این وضعیت به فقر و تضعیف شرایط زندگی افراد منجر خواهد شد.

2. تضعیف عدالت و نظام قضایی: فساد اداری منجر به تضعیف نظام قضایی و حقوقی میشود که این موضوع منجر به ناتوانی در اجرای عدالت و تأمین حقوق افراد می‌شود. این وضعیت باعث افزایش نابرابری‌ها و افزایش فقر در جامعه خواهد شد.

3. افزایش نابرابری‌ها و تبعیض: فساد اداری منجر به افزایش نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در دسترسی به خدمات،

فرصت‌ها و منابع می‌شود. این موضوع باعث میشود که افراد یا گروه‌های خاص بتوانند از منابع و فرصت‌ها بهره‌مند شوند و دیگران محروم بمانند.

4. ترویج فساد فرهنگی و اجتماعی: فساد حکومتی به ترویج فساد فرهنگی و اجتماعی منجر می‌شود که این وضعیت به تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد محیط ناامن و ناپایدار منجر میشود.

با کلیت این موارد، فساد اداری و فساد حکومتی به تضعیف سیستم اجتماعی و اقتصادی، تضعیف اعتماد عمومی و افزایش فقر و نابرابری‌ها منجر می‌شوند که این وضعیت می‌تواند عوامل اصلی فساد سیستماتیک در کوردستان باشند.

پشتیبانی بین المللی

پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند در موارد زیر نقش‌های مهمی در کاهش فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان داشته باشد:

1. تأمین منابع و کمک‌های مالی: پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند به عنوان یک منبع اصلی تأمین مالی برای پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در کوردستان عمل کند. این کمک‌ها می‌توانند در زمینه‌هایی مانند زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت، و توسعه اقتصادی کمک کنند

2. تقویت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی: پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند به تقویت زیرساخت‌ها از جمله آب، برق، حمل و نقل و بهبود خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و مراقبت‌های پزشکی کمک کند

3. توسعه اقتصادی و اشتغال: پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند به توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در کوردستان کمک کند.

5. تقویت توانمندی‌های محلی: پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند به تقویت توانمندی‌های محلی و افزایش دانش فنی و مهارت‌های جامعه کمک کند.

به طور کلی، پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در کاهش فقر، تقویت زیرساخت‌ها، ارتقاء سطح زندگی و توسعه پایدار در کوردستان داشته باشد، اما تأثیر این پشتیبانی‌ها نیازمند همکاری‌های مستمر و موثر بین دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و ارگان‌های بین‌المللی است.

ابتکارات مردمی

1. تقویت اقتصاد محلی: ابتکارات مردمی به توسعه کسب و کارهای محلی و ایجاد فرصت‌های اشتغال در سطح محلی کمک می‌کنند.

2. تقویت توانمندی‌های محلی: ابتکارات مردمی می‌توانند به تقویت توانمندی‌های محلی و افزایش دانش مردم در زمینه‌های مختلف مانند کسب و کار، فن‌آوری و توسعه شخصی کمک کنند.

به طور کلی، ابتکارات مردمی می‌توانند بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی را ترویج کرده و به کاهش فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان کمک کنند. توسعه این ابتکارات نیازمند همکاری و حمایت مستمر از سوی دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی است.

چشم انداز آینده

تعیین چشم‌انداز آینده برای فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان می‌تواند مبتنی بر مجموعه‌ای از عوامل و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد. اما برخی از عواملی که می‌توانند بر آینده فقر و فساد در کوردستان تأثیرگذار باشند عبارتند از:

1. توسعه اقتصادی پایدار: رشد اقتصادی پایدار و توسعه صنعتی به ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت اقتصاد منطقه، و کاهش فقر

وابسته به عوامل اقتصادی منجر میشود. 2. توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، مانند بهبود دسترسی به آب، برق، بهداشت و زیرساخت‌های حمل و نقل، می‌تواند بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر در کوردستان را ترویج کند.

3. تقویت حکمرانی و مدیریت شفاف: تقویت نظام حکمرانی و ایجاد شفافیت در اداره کشور و مدیریت منابع می‌تواند کمک کند تا فساد سیستماتیک کاهش یابد و افراد اعتماد بیشتری به نظام داشته باشند.

4. مشارکت و توانمندی مردم: افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی و توانمندسازی آنها می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و فقر در جوامع کمک کند.

5. حل و فصل مناسب بحران‌های سیاسی و امنیتی: استقرار پایداری سیاسی و حل و فصل مناسب بحران‌های امنیتی می‌تواند به تأمین امنیت و استحکام اجتماعی کمک کند که این وضعیت می‌تواند به کاهش فقر و فساد سیستماتیک کمک کند.

به طور کلی، چشم‌انداز آینده برای کاهش فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان نیازمند یک ترکیب از سیاست‌های اقتصادی موثر، حکمرانی شفاف و مشارکت مردمی فعال است. تلاش‌های مداوم در جهت تقویت زیرساخت‌ها، توسعه اقتصادی و اجتماعی مسئولانه و تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر و فساد را در آینده به همراه داشته باشد.

این مقاله تحلیلی گسترده ارائه داده است که به وضوح نشان می‌دهد که توسعه فقر و فساد سیستماتیک در کوردستان به دلایل گوناگونی برمی‌گردد. از جمله این دلایل می‌توان به:

1. پیشینه تاریخی: تأثیر تاریخ و تحولات گذشته بر وضعیت کنونی منطقه، از جمله تقسیمات تاریخی و اتفاقات گذشته.

2. چالش‌های اقتصادی: مشکلات بیکاری، کاهش رشد اقتصادی، و عدم تنوع اقتصادی.

3. عوامل سیاسی: تصمیمات نادرست و کارهای ضعیف دولتی که می‌توانند منجر به فساد و فقر شوند.

4. جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی: احترام به سنت‌ها و مشکلات جنسیتی که می‌توانند توسعه را مختل کنند.

5. عوامل جغرافیایی و روابط منطقه‌ای: تنش‌ها با مناطق مجاور که می‌توانند توسعه را مختل کنند.

6. مدیریت منابع: سوء استفاده از منابع طبیعی که به تخریب محیط زیست و ضررهای اقتصادی منجر می‌شود.

7. کمبود آموزش و زیرساخت‌ها: کمبود تحصیلات بالا، امکانات تعلیم و تربیت، و نقص زیرساخت‌های اساسی.

8. فساد و حکومت اداری: فساد در نهادهای دولتی که باعث تضییع منابع عامه می‌شود.

9. حمایت بین‌المللی و ابتکارات مردمی: نقش حمایت بین‌المللی و تلاش‌های مردمی در بهبود وضعیت.

10. چشم‌انداز آینده: تأمین راهکارهایی برای حل مشکلات و بهبود وضعیت، مخصوصاً با تمرکز بر جوانان به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه. با توجه به این عوامل گسترده، این مقاله به اهمیت تلاش‌های چندجانبه و هماهنگ برای مقابله با این مسائل و بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی کوردستان اشاره می‌کند.

# انتخابات ۱۱ اسفند؛ کم رونق‌ترین انتخابات از زمان زمامداری رژیم جمهوری اسلامی ایران بود



انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رژیم که با تحریم گسترده آحاد مردم کوردستان و ایران و کمپین تحریم انتخاباتی مخالفان رژیم برگزار شد، کم‌ترین میزان مشارکت مردمی را به خود دید.

پس از برگزاری انتخابات نمایشی رژیم در سایه بایکوت گسترده مردم کوردستان و ایران، رژیم اسلامی در آماری غیرواقعی میزان مشارکت مردمی در انتخابات را بیش از ۴۱ درصد اعلام کرده که این آمار نیز کم‌ترین میزان مشارکت مردم در تاریخ رژیم اسلامی ایران است.

بر اساس آمار غیرواقعی خود رژیم، میزان مشارکت مردمی در مقایسه با انتخابات دوره قبل مجلس شورای اسلامی با نرخ ۴۲.۵۷ درصد و آخرین انتخابات ریاست جمهوری رژیم نیز پایین‌تر بوده است.

علیرغم تحریم گسترده انتخابات فرمایشی رژیم از سوی مردم، رسانه‌های رژیم مشارکت دروغین و غیرواقعی ۲۵ میلیونی مردم در انتخابات از بین بیش از ۶۱ میلیون واجد رای را پیروزی بزرگ و شکست بزرگ‌ترین تحریم انتخاباتی ۴۵ سال گذشته عنوان کرده‌اند.

از سوی دیگر برخی از فعالان سیاسی با احتساب آرای باطله، میزان واقعی مشارکت مردم را کمتر از ۳۵ درصد ذکر کرده‌اند.

شایان ذکر است که موسسه "گمان" بر اساس یک نظرسنجی قبل از انتخابات، میزان مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند را بین ۲۵ تا ۳۰ درصد عنوان کرده بود.

## ادعای رسانه‌های رژیم

## ایران؛ ۴۰ بزرگ‌تر از ۶۰!



در حالی که به گفته خود رسانه‌های وابسته به رژیم، ۴۰ درصد واجدان رای در انتخابات شرکت کرده‌اند، اما در تحریریه‌های خود از پیروزی بزرگ رژیم و شکست سیاست بایکوت انتخابات سخن به میان آورده‌اند.

خبرگزاری فارس، وابسته به رژیم اسلامی ایران مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان را ۲۵ میلیون نفر، معادل ۴۰ درصد اعلام کرده است. این خبرگزاری افزود که پروژه بی‌سابقه تحریم انتخابات که از ارسال از سوی دشمنان خارجی و همسویان داخلی آن‌ها طراحی شده بود با مشارکت ۴۰ درصدی واجدان شرایط شکست خورده است.

همچنین خبرگزاری ایرنا از پایان یافتن فرآیند اخذ رای دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان خبر داده و اعلام کرد که از بین بیش از ۶۱ میلیون واجد شرایط شرکت در انتخابات، ۲۵ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده و این آمار را نشانه پیروزی رژیم و شکست تحریم انتخابات دانست.

این ادعای رسانه‌های داخلی رژیم ایران مبنی بر شکست تحریم انتخابات در حالی است که بر اساس تصاویر و ویدیوهای منتشره در شبکه‌های اجتماعی، فقط تعداد معدودی از عوامل وابسته به رژیم در پای صندوق‌های رای حضور یافته‌اند.

از سوی دیگر، طی روزهای منتهی به انتخابات، رژیم از طریق ترفندهای گوناگون در تلاش برای کشاندن مردم پای صندوق‌ها رای بودند که مردم سراسر کوردستان و ایران بار دیگر "نه‌ای بزرگ" به رژیم اسلامی ایران و خامنه‌ای دادند.

گفتنی است که علی خامنه‌ای، رهبر رژیم چندین سال پیش مشارکت ۴۰ درصدی مردم در انتخابات سایر کشورها را مایه ننگ خوانده و آن را نشان عدم اعتماد و اعتنا و امید به نظام سیاسی آن کشورها دانسته بود، در حالیکه اکنون بنا بر آمار غیرواقعی خود، حضور ۴۰ درصدی مردم را نشانه پیروزی بزرگ خود دانسته و ۴۰ را بزرگ‌تر از ۶۰ می‌پندارد.



## چیدن دوباره دیوار سرکوب، کاری دشوارتر از همیشه



زانیار حسینی

سرکوب، خفقان و اشاعه ترس ناشی از سرکوب از همان روزهای نخست بر روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران همچون بازویی حیاتی به موازات سلطه رژیم مذکور رشد کرده و قدرت گرفته است. در حال حاضر پرسش پیش روی ما اینست که پتانسیل این بازوی مهم که در ادامه حیات رژیم حاکم بر ایران نقشی اساسی دارد تا چه اندازه قدرت کارآمدی و بازدارندگی اش را حفظ نموده است؟

بر کسی پوشیده نیست که قدرتهای توتالیتر، ابزار سرکوب را به عنوان یکی از شاخصه و مولفه های مهم سلطه گری و اقتدار خود می پندارند و در ارکان قدرت برای آن جایگاهی خاص و ویژه قائل می شوند؛ در حدی که شخص یا اشخاص تراز اول چنین قدرتهایی، راسا و شخصا به چگونگی استفاده و بکارگیری ساز و کارهای ابزار سرکوب اقدام و دستورات لازم را صادر می نمایند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان یک رژیم توتالیتر و اقتدارگرا، توجه ویژه ای به میحث سرکوب داشته و دارد. حضور و وجود سازمانهای امنیتی موازی و مجاور در ساختار علنی و آشکار رژیم، سندی مهمی است که دلالت بر اهمیت سرکوب در قاموس چنین رژیمی دارد؛ سرکوب در ادبیات اینگونه رژیمها را میتوان به هر شکلی تعریف و تعبیر نمود الا بجز مفهوم واقعی واژه سرکوب، و اساسا بازیگران رژیم های این چنینی، سعی در وارونه سازی معنا و مفهوم واژگانی ازین دست دارند. به عنوان مثال دستگاههای تبلیغاتی و رسانه ای رژیمهای توتالیتر بجای بکار بردن کلمه سرکوب و روشهای متفاوتش همچون کشتار، ربایش، شکنجه و اسارت مخالفان و دگراندیشان از کلماتی بمانند برخورد قانونی با اغتشاشگران، دفع نمودن فتنه آشوبگران، بازداشت اخلاکگران در نظم عمومی، تادیب فریب خوردگان دستگاه های جاسوسی و غیره بهره می جویند؛ بازی با کلمات، وارونه سازی، سانسور، شانتاژ، سرپوش و این قبیل از رفتارها به وفور در پیکره سیستم های دیکتاتور و ضد مردمی خودنمایی می کند.

ماشین سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را میتوان در لایبای قوانین مربوط به حوزه حفاظتی-امنیتی یافت؛ بر اساس قانون تاسیس وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۲ و قانون تمرکز اطلاعات، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۸، «وزارت اطلاعات»، «واحد اطلاعات سپاه پاسداران»، «واحد اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی»، «واحد اطلاعات نیروی انتظامی» و «حفاظت-اطلاعات سپاه پاسداران» نهادهای اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی هستند. در ۲۲ مهر سال ۱۳۹۳، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران رژیم مدعی شد که از سال ۶۸ به بعد، تعداد نهادهای امنیتی از پینچ به شانزده سازمان افزایش پیدا کرده است بدون آنکه نامی از این سازمانها ببرد و یا سرنخی ازین نهادها در ترکیبات و ترتیبات سیستم حفاظتی-امنیتی رژیم بدست دهد.

در واقع خبرگزاری فارس در این گزارش اشاره ای به نام این ۱۱ نهادی که در این ۲۵ سال تاسیس شدند، نکرده است؛ لیکن با استناد به منابع و خروجیهای رسمی رژیم مذکور، میتوان به نام برخی از این ۱۱ نهاد اطلاعاتی-امنیتی دست یافت. حر تیرماه ۱۳۹۳ رسانه های ایرانی خبر از تاسیس تشکیلاتی به نام «قاضی شنود» با تأیید رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران دادند. بحث قاضی شنود پس از علنی شدن پرونده شنود علی مطهری نماینده تهران در مجلس ایران مطرح شد.

دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا از دیگر نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است. رییس این دفتر با دستور مستقیم رهبر رژیم جمهوری اسلامی منصوب می شود؛ ارتباط با سازمانهای اطلاعاتی نیروهای مسلح از جمله وظایف این نهاد است. -دستگاه امنیتی قوه قضاییه تحت عنوان «حفاظت اطلاعات قوه قضائیه» از جمله نهادهایی است که در قانون تشکیل وزارت اطلاعات به آن اشاره ای نشده و بر اساس گزارشها بیش از دو دهه قبل تاسیس شده است. اسماعیل خطیب، یکی از روسای پیشین این نهاد امنیتی-اطلاعاتی در سخنرانی معارفه خود حفاظت و اطلاعات را چشم و گوش و دست و بازوی قوه قضاییه خوانده بود. سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران ( جلد کهریزک ) در سخنانی در سال ۱۳۹۳ شمسی، درباره تاریخچه این نهاد گفته بود که حفاظت-اطلاعات قوه قضائیه از یک دهه پیش فعال است.

-ستاد حفاظت اجتماعی قوه قضائیه از دیگر نهادهای اطلاعاتی است که زمان تاسیس این نهاد به زمان ریاست محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضائیه بر می گردد. سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع از جمله دیگر سازمانهای اطلاعاتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است؛ با نگاه به چارت تغییر روسای آن میتوان استنباط نمود که هر شش سال یکبار، سرپرست و رئیس این نهاد عوض می گردد. از سوی دیگر بر اساس گزارشها در دفتر رهبر جمهوری اسلامی که از آن به عنوان «بیت رهبری» نام برده می شود، نیز دفاتری با عنوان دفاتر حفاظت-اطلاعات مشغول به فعالیت هستند. جدای از وجود دست کم شانزده نهاد امنیتی-اطلاعاتی در پیکره اداری سیستم رژیم ولایت فقیه، آنچه بایستی مورد توجه عموم قرار بگیرد، بودجه دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی می باشد که بررسی بودجه این نهادها با توجه به تکرر آنها طی پنج سال اخیر افزایش معناداری را نشان می دهد؛ در اینجا تنها به بودجه چند دستگاه امنیتی-اطلاعاتی اشاره می شود که بطور رسمی در مجلس ایران به تصویب می رسد و امکان دسترسی به آمار و ارقام آن برای همگان امکان پذیر است.

بودجه وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۸ از پنج هزار و ۸۲۵ میلیارد تومان به هفت هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت. بودجه این دستگاه امنیتی در سال ۱۴۰۰ به هفت هزار و ۷۶۵ میلیارد تومان رسیده است. رژیم جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱ برای این وزارتخانه امنیتی تصمیم به افزایش بودجه ای تقریبا دوبرابری گرفت،

به طوری که وزارت اطلاعات در سال گذشته (۱۴۰۱) به میزان ۱۵ هزار و ۳۷۵ هزار میلیارد تومان بودجه دریافت کرده است. در بودجه امسال (۱۴۰۲) بودجه این نهاد امنیتی ایران به ۲۲ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان افزایش یافته است. این ارقام بیانگر این است که بودجه وزارت اطلاعات ۲.۸ برابر بیشتر شده است. این رشد بودجه برای دیگر نهادهای اطلاعاتی موازی هم اتفاق افتاده است. بودجه حفاظت-اطلاعات سپاه در سال ۱۳۹۸ از ۵۴ میلیارد و ۴۶۶ میلیون تومان به ۵۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. بودجه این نهاد اطلاعاتی سپاه پاسداران در سال ۱۴۰۰ با رشدی دوبرابری ۱۳۰ میلیارد تومان ارتقا یافته و در سال ۱۴۰۱ برای حفاظت اطلاعات سپاه ۱۵۰ میلیارد تومان بودجه اختصاص داده شده است. در سال ۱۴۰۲ هم برای حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به میزان ۱۸۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است؛ یعنی ۲.۳ برابر افزایش بودجه نسبت به سال ۱۳۹۸ شمسی.

فقط منابع این دو دستگاه اطلاعاتی نیست که هر سال رشد جهشی پیدا کرده است؛ برای اولین بار امنیت فضای مجازی که به نظر می رسد تمرکز بر محدودیت و فیلترینگ فضای مجازی دارد، در بودجه امسال گنجانده شده است. این ردیف بودجه که در سالهای گذشته اصلا وجود نداشته، برای ۱۴۰۲ شمسی بناست که رقمی در حدود ۸۴۷ میلیارد تومان در اختیار داشته باشد تا فضای مجازی را کنترل کند. ردیف بودجه جدید دیگری که در زیرفصل امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته، اختصاص ۱۰ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان برای «حفظ نظم و امنیت عمومی» در سال جاری است.

در ذیل همین ردیف، سه هزار میلیارد تومان برای «برنامه سیاست گذاری و نظارت بر استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی و برگزاری انتخابات» در نظر گرفته شده است. علاوه بر نهادهای یادشده، سازمان بسیج در بودجه امسال قرار است دو هزار و ۸۲۹ میلیارد تومان دریافت کند. بودجه یگانهای ویژه نیروی انتظامی ۱۵۵ میلیارد تومان، بودجه ندامتگاه تهران ۲۵۶ میلیارد تومان وهمچنین مطالعه و احداث ندامتگاه جدید ۳.۵ میلیارد تومان و احداث ندامتگاه موقت ۱.۴ میلیارد تومان از بودجه سال جاری پول دریافت خواهند کرد. لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ شمسی، سهم جیب مردم ایران در تامین بودجه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی را افزایش داد. متن کامل این لایحه که روز چهارشنبه ۲۱ دی منتشر شد، حاکی از افزایش ۲۸ درصدی بودجه سپاه پاسداران است و در صورت تصویب نهایی، بودجه این نهاد نظامی در سال آینده ۱۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. این بودجه معادل ۲۰ درصد از درآمد ۶۰۴ هزار میلیارد تومان فروش نفت در بودجه است که سهم قابل توجه سپاه از این بودجه را نشان می دهد.

بودجه ارتش هم با رشدی ۳۶ درصدی، به ۴۹ هزار میلیارد تومان و بودجه نیروهای انتظامی نیز با رشد ۴۴ درصدی به ۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. بودجه وزارت اطلاعات هم با رشدی ۵۲ درصدی، به ۲۰ هزار میلیارد تومان رسید. بودجه دستگاههای تبلیغاتی و مذهبی هم همانطور که پیش بینی می شد، در

لایحه ارائه شده دولت به مجلس افزایش قابل ملاحظه ای داشت؛ به طوری که بودجه سازمان صداوسیما، مهم ترین بازوی تبلیغاتی جمهوری اسلامی، با ۴۲ درصد افزایش به هفت هزار و ۵۳۱ میلیارد تومان رسید. با توجه به آمار و ارقام ذکر شده، بدون در نظر گرفتن نهادهایی که نامی از آنها تاکنون به میان نیامده است و با احتساب سازمانها و نهادهای کوچکتر امنیتی که در قالب بازوهای میدانی، پشتیبانی، همیاری و غیره در مواقع اضطراری به یاری دیگر نهادهای سرکوب گر رژیم می شتابند و با در نظر گرفتن برابند هزینه های تامین انسانی، بودجه، تجهیزات و محلات اسکان این نهادها و سازمانها با ارقام و ابعاد درشت و غیر قابل توجه روبرو خواهیم شد. جدای از آمارهای منابع رسمی رژیم بر همگان آشکار و عیان است که چنین نهادهایی به منابع غیر رسمی و بدور از دیدگان مردم دسترسی دارند که یکی از این منابع، حضور این نهادها در بنگاههای تجاری، بازرگانی و ارکان اقتصادی می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران، تمهیدات ویژه ای را به اینگونه نهادها اختصاص داده است و هر ساله بودجه و تمهیدات ویژه نهادهای مذکور با رشد تصاعدی و چشمگیری روبرو شده است. از طرفی بودجه های کلان به نهادهای تبلیغاتی، مذهبی و از این دست مراکز که در ظاهر قضیه هیچ ارتباط مستقیمی با نهادهای امنیتی ندارند اما با توجه نمودن به حوزه فعالیتهای این نهاد و موسسات هم میتوان به این نتیجه و خروجی رسید که خدمات و فعالیت های بنگاههای تبلیغاتی و مذهبی به موازات و در راستای اهداف بنگاههای امنیتی-اطلاعاتی در حرکت هستند و به لحاظ روانی و فکری بر اقشار مختلف طبقات اجتماعی ایران تأثیر می گذارند و بعضا در جهت تامین نیروی انسانی نهادهای امنیتی-اطلاعاتی رژیم گام بر می دارند و پرورش افراد مطیع، سرکوب گر، متعصب و تندرو از جمله وظایف لاینفکشان می باشد.

مقایسه ارقام و اعداد موجود در بنگاههای امنیتی-اطلاعاتی، تبلیغاتی و مذهبی رژیم با ارقام و اعداد تخصیص یافته به دیگر حوزه ها که نقش محوری و حیاتی ایفا می کنند، درخور توجه و حاوی نکات مهمیست که اساسی ترین آنها شاید این باشد که حوزه های اقتصادی، علمی، صنعتی، زیرساختی فرهنگی و اجتماعی مردم و ملت های ساکن در ایران آنچنان که باید مورد توجه قرار نمی گیرد و اساسا در ساختار و دپارتمان رژیم مذکور چندان جایگاهی ندارد؛ دست کم در برابر بنگاهها و دستگاههای امنیتی در رتبه های پایین تر قرار می گیرند و از اولویت کمتری نسبت به این دستگاهها برخوردارند. مقایسه و قیاس این حوزه ها در رژیم ولایت فقیه، آیا صحه بر این گفتمان نمی گذارد که چنین رژیمی به واقع بنگاه امنیتی-اطلاعاتی مخوفیست که با ابعادی بزرگ و پیچیده در درون خودش موسسات دولتی و حکومتی را ایجاد نموده است که با اسم رمز " بیت امام " در بدو تاسیس به " بیت رهبری " تغییر نام داده است!

حال این بنگاه امنیتی-اطلاعاتی وسیع و پیچیده با چنگ اندازی بر همه زوایای زندگی ملتهای ساکن در ایران، برآستی توانسته است که مردم را به زنجیر و یوغ

اسارت خود در آورد؟ و یا کارآمدی و بازدارندگی خود را در برابر معترضان، حق خواهان و انقلابیون حفظ نماید؟

بایستی گفت که پس از بر سر کار آمدن رژیم ولایت فقیه با نام مستعار جمهوری اسلامی ایران، نشان ها همه حاکی از موفقیت نهادهای امنیتی در برخورد با آزادیخواهان، احزاب و گروههای متفاوت و بعضا مخالف با این نظام داشت؛ بلاخص بعد از سرکوب و کشتار در کردستان، اعدامهای فله ای و بدون دادگاهی و یا با برپایی دادگاههای نمایشی در جای جای ایران. اما بعدها شش اعتراض بزرگ و سراسری، موفقیت و کارآمدی نهادهای سرکوب گر امنیتی-اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشید و روی هم رفته هر اعتراض، وسیعتر و گسترده تر از اعتراضات قبلی بوده و ابعاد و پیچیدگیهای بیشتری بخود گرفته و از خواسته های اقتصادی و مدنی به خواسته های سیاسی رادیکال رسیده است و در حال حاضر خواستار برچیده نمودن چنین دستگاه کشتاری می باشد؛ اکثر اعتراضات بزرگ که تمامیت رژیم مذکور را به چالش کشیدند با جرعه های اقتصادی و خواسته های مدنی پا بر عرصه حضور گذاشتند که بی درنگ تبدیل به خواسته های سیاسی شدند بجز انقلاب ژینا که در بدو شروع با خواسته های مشروع سیاسی و هدف گرفتن خانه امن ( بیت رهبری ) نهادهای امنیتی-اطلاعاتی شروع شده و خواهان براندازی نظام و جایگزینی نظامی برخوردار از برابند اقشار مختلف مردم است. آنچه در این شش اعتراض بزرگ و سراسری ( جدای از اعتراضات منطقه ای و کوچکتر در طول حیات رژیم ولایت فقیه هر بار خودنمایی می کند، مشکلات و معضلات جدی تر نهادهای حوزه امنیتی-اطلاعاتی در رابطه با سرکوب و مسکوت نمودن این دست از اعتراضات است. زیرا معترضان شش اعتراض بزرگ و اعتراضات کوچکتر و مخالفان ازلی رژیم در انقلاب ژن ژینا، نازادی به انقلابیون مبدل گشته اند و هر بار جسورانه تر، حوزه خواسته های خود را به پیش می برند و ابعادش را وسعت می بخشند و ترس سیستماتیک و تولید شده از سوی نهادهای سرکوب گر را بیش از پیش به دستان خالی متلاشی می نمایند و همچون مبارزانی از جان گذشته، نهادهای امنیتی را به مبارزه می طلبند. چنانکه در گفته های مسئولین رده بالای امنیتی-نظامی و مشاوران مذهبی رژیم، نمونه های وافر و برجسته از فروریختن دیوار ترس مردم در برابر نهادهای سرکوب گر و ابزارهای سرکوب به وضوح قابل رویت است. کنون پس از گذشت بیش از یک سال از انقلاب ژینا، جریان انقلابی در فازهای متفاوت و ابعاد دیگری زنده و متدوام است و هر بار به شکلی در جامعه خودنمایی می کند. چالشی که در حال حاضر به بحرانی برای هیولای سرکوب گر امنیتی-اطلاعاتی ولایت فقیه تبدیل شده است، فروپاشی دیوار سرکوب و متلاشی شدن تصویر دروغین بزرگنمایی شده از این نهادهای امنیتی و سرکوب گر است؛ بحرانی که با چنین پرسشی روبرو شده است، آیا چیدن دوباره دیوار سرکوب با همان کارایی و بازدارندگی چند دهه قبل برای فرقه تبهکار امکان پذیر است؟ مطمئنا پرسشی پیچیده اما با پاسخی صریح و ساده است که پاسخش بر کسی پوشیده نیست.



## تلاش نافرجام رژیم ایران جهت احداث پایگاه دریایی در سواحل دریای سرخ



"والاستریت ژورنال" طی گزارشی اعلام کرد که رژیم ایران از طریق تحت فشار قرار دادن سودان در تلاش برای اخذ اجازه برای احداث یک پایگاه دریایی در سواحل دریای سرخ در این کشور آفریقایی بوده است.

روزنامه "والاستریت ژورنال" به نقل از احمد حسن محمد، مشاور اطلاعاتی رهبر نظامی سودان اعلام کرد که رژیم اسلامی ایران به این کشور پیشنهاد داده که در ازای اجازه احداث پایگاه دریایی در سواحل این کشور به آنان یک کشتی جنگی حامل هلیکوپتر بدهد.

این مقام نظامی سودان هدف رژیم ایران از احداث پایگاه دریایی در سواحل این کشور را "جمع‌آوری اطلاعات" و "استقرار کشتی‌های جنگی" عنوان کرد.

نامبرده همچنین تصریح کرد که کشورش برای پیشگیری از ناراحت کردن آمریکا و اسرائیل پیشنهاد رژیم اسلامی ایران را رد کرده است.

رژیم اسلامی ایران که هم‌اکنون نیز اطلاعات تردد کشتی‌های تجاری در دریای سرخ را در اختیار شورشیان حوثی قرار می‌دهد، در صورت احداث پایگاه در سواحل سودان قادر به رصد ترافیک دریایی کانال سوئز و ورود و خروج کشتی‌ها به اسرائیل می‌شد و کنترل خود بر این آبراه را افزایش می‌داد.

گفتنی است که رژیم اسلامی ایران دلیل در اختیار قرار دادن پهپادهای انتحاری به سودان در نبرد با نیروهای پشتیبان سریع، کشور سودان را برای پذیرش درخواست خود تحت فشار قرار داده بود.

## ۱۷ نهاد دموکراسی خواه خواستار اتحاد جنبش‌های زنان و کارگران در آستانه روز زن شدند



در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن، ۱۷ نهاد دموکراسی خواه و چپ‌گرا طی بیانیه‌ای مشترک خواستار اتحاد جنبش‌های زنان و کارگران در مبارزه اجتماعی شدند.

در این بیانیه مشترک آمده است که اتحاد و مبارزه مشترک جنبش‌های زنان و کارگران آزادی و برابری برای کل جامعه به ارمغان خواهد آورد و آن را ضرورتی تاریخی عنوان کردند.

این نهادها تصریح کردند که بدون همکاری زنان و مردان کارگر، دستیابی به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، از بین رفتن ستم جنسیتی و طبقاتی و مطالبات رفاهی و اقتصادی زنان غیر قابل تحقق است.

در این بیانیه ضمن اشاره به تداوم تبعیض و سرکوب زنان در آستانه روز زن و همچنین قوانین قرون وسطایی ضد زن رژیم اسلامی آمده است که رژیم بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی را بر زنان روا داشته و آنان را از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در موقعیت درجه دوم قرار داده است.

گفتنی است که رژیم اسلامی ایران پس از انقلاب "زن، ژان، آزادی" اعمال محدودیت‌ها و سرکوب علیه زنان و دختران مدافع پوشش و حجاب اختیاری به شدت افزایش داشته است.

## تخیل رهایی، به مثابه تحقق آزادی

به پاس جنایات نیروهای نیابتی اش، به پاسداران مزدور در اعمال جنایت مدال اعطا می‌کند. حتی کلمات محتاج زبان پیرایی اند! برای تمام تحریقاتی که حکومت در معانی آن‌ها ایجاد می‌کند، عدالت، توسعه، آزادی بیان و... محتاج این اند که دگرگونی عظیمی در نظام اخلاقی و سیاسی رخ نماید. اخلاق به خودی خود یک ایدیولوژی نیست، اما وقتی در اختیار حکومتی قرار بگیرد که غیراخلاقی و غیر سیاسی است، تبدیل به یک سلاح اخلاقی می‌شود. سلاحی که از جهنم شلیک می‌شود و در بهشت می‌کشد، تمدن را به سخره می‌گیرد، و وقاحت را تا سطح امر جنسی و جنسیتی تقلیل می‌دهد، حال آنکه وقاحت چیزی جز سرکوب توسط حکومتی سرکوبگر نیست. آن‌ها اغماض نمی‌کنند، آن‌ها دنیایی از ریاکاری و خشونت آفریده اند. آن‌ها از طریق اعمال سلطه اسلامی ساخت طبقاتی جامعه را می‌خواهند تضمین کنند، و پس از طبقه بندی مطلق جامعه فرصت سرکوب طبقاتی را نیز میسر کنند. اما ما تجهیزیم به هر آنچه اتحادی ست علیه نیروی حکومت اسلامی. زیرا بنیاد گرایی سیاسی، متضمن بنیادگرایی اخلاقی است، و بنیاد گرایی اخلاقی شالوده رهایی انسان. و بجای انطباق، آرایش نیروها خودانگیخته و دارای استقلال خواهد بود. و سرانجام با گزینش ضرورت‌های اجتماعی، آزادی متصور خواهد شد

کاهند و در دستان ددمنش ولی فقیه می‌گذارند با نظارت جمعی قدرت نظامی سپاه پاسداران. تنها بر بنیان همین شالوده است، که هدف مشخص آزادی را می‌شود تعیین کرد. عصیان ملی، در برابر طغیان اسلامی. زیرا حکومت می‌خواهد نارضورت بقای خودش را ضرورت حیاتی بقای ملل تلقی، تعریف و تعیین نماید. اما مهم نیست که فاصله طغیان در برابر عصیان ملت چقدر است، مهم نیست که فاصله بین عصیان طبقه متوسط در کلان شهرها، در مقایسه با مبارزه ی مرگ و زندگی سایر اقشار چقدر زیاد است، آنچه در عصیان علیه حکومت اسلامی مهم است عمق امتناع از آن است. این امر باعث می‌شود، راهبرد اساسی حکومت که مبتنی بر مدارای بر نزیستن و اغوای بر فریفتن برای رستگاری اخروی ست (که البته سرپوشی ست برای تشکیل حکومت اسلامی فرامرزی) دچار شکاف شود. و با رشد فزاینده مخالفت عمومی، حکومت تنها با افزایش منظم مصرف، تباه سازی محیط جغرافیایی و در معرض تهدید قرار دادن اش، به بقای خود ادامه می‌دهد. یک بقای وقیح! که پشت لبخند سیاستمداران و مدیران اش پنهان می‌شود، پشت نیایش‌های اش، در جهلش... حتی در خرد روشنفکران دست نشانده اش وقیح است! ملت وقیح نبوده است هرگز، جامعه ی بدون حجاب اجباری وقیح نیست، بلکه وقیح، حکومتی ست که

است، زیرا آرمان‌های نزدیک یک ملت را قربانی خواهد کرد. مسئولانه ترین اقدام در راستای رهایی و آزادی، مبارزه ی همیشگی، آموزش دائمی و وظیفه سیاسی هر فرد، انکار فعالانه سرکوب اجتماعی و الزام خلق همبستگی ست. فراسوی همه ی مرزهای ملی و حوزه های علاق و شخصی، حزبی و گروه های سیاسی. زیرا چیزی که هر ملتی را مشترک می‌سازد، مفهوم آزادی ست. عصیان کنندگان می‌دانند، که باید زندگی شان را از چنگ حکومت اسلامی خلاص کنند و آن را شایسته زیستن نمایند. راه آزادی ابتدا از اندیشه و تخیل رهایی آغاز و هموار خواهد شد. با تقلیل دادن کشمکش های مخرب سیاسی، گستره آزادی نیز بیشتر خواهد شد. اما نیک باید بدانیم، صرف نظارت بر نیروهای سیاسی مردم مخالف حکومت اسلامی راهکار اصلی مبارزه سیاسی نیست، بلکه دیوانسالاری اسلامی همچنان سرکوبگر باقی خواهد ماند! زیرا این رفتار وابستگی جامعه را به استثمار اسلامی بیشتر خواهد کرد، به دلیل اینکه نیروهای سیاسی خنثی خواهند ماند! و در جوامع طبقاتی مانند ایران، روند نونهادهای بسیار کند پیش می‌رود، و فقط با کنش رقابتی ست که یک ارگانیسم اجتماعی فعال شکل خواهد گرفت. رقابت بر سر چه چیزی؟ تعریف اهداف و راهبردهای سیاسی نو بر اساس دموکراسی مطلق مبتنی بر انبوه خلق، یا وانهادگی در برابر استمرار نهادهای حکومتی که هر روز از قدرت خلق می

است. نظام حاکم، وقتی به این نتیجه می‌رسد که اراده ی فردی ولی فقیه در برابر اراده جمعی ملت تضعیف شده است، سرکوبی تازه تر از طریق برتری حضور ملت بر فرد اصلاح برای تأیید حکومت نامشروع خود آغاز کرده است، که در سخنرانی اخیر علی خامنه ای مشهود بود. که البته با مهندسی انتخابات، حتی تا جایی که چهار نفر از اعضای شورای نگهبان توسط خود شورای نگهبان برای مجلس خبرگان تأیید صلاحیت می‌شوند! رخ نموده است. که بیش از همیشه نشان می‌دهد بعد از انقلاب ۵۷ تاکنون، اراده آزاد ملت هرگز در روند تعیین سرنوشت خود موثر نبوده است، و اکنون جایگاه یکایک مردم، صرفاً نوعی سیاست مهندسی شده برای تبدیل بدن های سیاسی به بدنه ی نظام شده است. خطری که از هر نوع سرکوب حکومت اسلامی که تاکنون رقم زده است، فاجعه ی عمیق تری ست! ابداع یک سرکوب همه جانبه و فراگیر! بنابراین، برای جامعه ی ایران، شرط اساسی رهایی و آزادی، قطع رابطه تاریخی با گذشته و اکنون است. ارزیابی خوشبینانه نسبت به فرصت اصلاح حکومت، غیرمسئولانه و به تعویق انداختن آینده آیندگان است. یک عمل سیاسی واقعی، در شرایط موجود، فقط از طریق یک فرآیند انقلابی رخ خواهد داد. از طریق نگرش هر بدن زنده به مثابه یک بدن سیاسی. و به دور از ترسیم آرمان شهر که مفهومی شیرانه

### قبل از خدا حافظی



بهار حسینی

مخالفت روز افزون با سلطه حکومت اسلامی در ایران، در مواجهه با قدرت بازدارندگی این حکومت از طریق نفوذ در اراده دموکراتیک ملت قرار گرفته است. خصوصاً با توسل به توان ترلز ناپذیرش در سرکوب مردم فرودست، به اتکای تولید دیوانسالاری دینی و برتری عقیده بر اراده ی آزاد، استمرار یافته. اراده ی جمعی ملل ایران، در جهت براندازی این حکومت، نظمی ست بدیل، با پیدایش اهداف و ارزش های متفاوت و آرمان های تازه مردان و زنانی که در برابر قدرت استثمارگر دینی، به نفی تاریخی آن برخاسته. این قدرت محرکه ی ویرانگر ملی، در دیوارهای به ظاهر تسخیر ناپذیر حکومت، نشانه هایی از شکاف فزاینده هویدا نموده است. این روند کنشمندی ملل، از طریق مخالفت با فساد گسترده دولتی و حکومتی، و در ضدیت با جمهوریت جعلی اسلامی در مراجعه به نظارت استصوابی که علیه دموکراسی مطلق است، ایجاد گردیده